

قیام ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

از گان دیگری به صورت ملی ایران

حسینی مسکان

نسخه انقلابی!

خرمشهر، با توجه به جو موجود، در توضیحاتش را جمع به وضع مهاجران جنگی حداکثر احتیاط را بخرج داده است تا مبادا از رهگذر سؤال وی، غبار رملاتی بر دل نازک دولت بنشیند و فشار خون حضرت امام بالا برود. با این حال بعد از اظهارات وزیرکار، سؤال طبق درخواست سؤال کننده بمنظور تحقیق و بررسی بیشتر به کمیسیون ارجاع شد زیرا سخنان آقای وزیر هیچ نکته مبهمی را روشن نمی کرد و عوض اینکه آبی بر دل سوخته آوارگان و مهاجران جنگی بپاشد نمکی بود بر زخم‌هایشان.

بقیه در صفحه ۱۲

در مجلس شورای اسلامی، یکی از وکلای دربار، کیفیت به مصرف رسانیدن بودجه بنیاد مهاجران جنگی سؤال کرده و وزیرکار جمهوری اسلامی که بنیاد مهاجران جنگی را تحت نظر دارد به این سؤال پاسخ داده است.

از وقتی حضرت امام برای گویندگان و نویسندگان خط و نشان کشید و خطا را کرد که هرگاه دولت را به نحوی از انحاء تضعیف کنند حاشا بشان را خواهد رسید، وکلای مجلس شورای اسلامی دست به عصا راه می روند و تریبون مجلس عرصه رجزخوانی وکلای جیره خوار رومجیزگویی دولت است. نماینده شادگان و

ویتنام مفلس و جمهوری اسلامی

همه برای کاسترو ما رکبست لوس کرد. این صحنه‌ها دیگر کسی را شگفت زده نمی کند. با این همه حیرت آور است که گسترش مناسبات با ویتنام، این نواخانه بزرگ جهان، از چه روست.

بقیه در صفحه ۱۱

روزنامه‌های تهران، به نحوی نه چندان چشمگیر، خبر داده اند که مناسبات میان جمهوری اسلامی و ویتنام ما رکبست گسترش می یابد. خبر در خورتاً ملی است. کنجکاو وی وحیرت نیز بر می انگیزد. اما نه از این رو که یک رژیم علمدار اسلام را ستین آهنگ گسترش مناسبات با دولتی را دار که ما رکبست ایدئولوژی رسمی آن است. گسترش مناسبات جمهوری اسلامی با دولت‌های ما رکبستی مدت‌هاست که دیگر شگفت آور نیست. در میهمانی‌های رسمی و غیررسمی، زما مداران رژیم اسلامی برای موفقیت رژیم‌هایی چون رژیم کوبا و نیکاراگوئه، ویتنام موکره شمالی دست به دعا بر می دارند. زما مداران آن دولتها نیز برای موفقیت اسلام خمینی متقابلاً جام‌های خود را بلند می کنند. در حراره، در کنفرانس غیرمتمعهدها، سید علی‌خانه‌ای رئیس جمهوری اسلامی، خود را بیشتر از

مقامات رسمی جمهوری اسلامی از نارسانی در توزیع آردونان سخن به میان می آورند. تکذیب شایعه جیره بندی شدن نان، از نگرانی مردم کم نکرده است زیرا فراموش نکرده اند که دولت جمهوری اسلامی با رها شایعه مربوط به جیره بندی شدن بنزین را تکذیب کرد اما سرانجام بنزین جیره بندی شد.

هادی بهزاد

افسانه نه شرقی نه غربی

بشت بیزک "نه شرقی و نه غربی" کفایت می کند. وقتی در مقاله‌ای به طرح این سؤال پرداختیم که: در رابطه با اصطلاحات مرسوم (تعهد و عدم تعهد) - (وابستگی و عدم وابستگی) آن چه را که روح الله خمینی زیر عنوان "جمهوری اسلامی ولایت فقیه" جعل و خواه نا خواه به عرصه‌ی روابط بین المللی وارد کرده است، در کجا می توان جا داد؟

خمینی تقریباً "در تمام پیام‌های اخیر خود" خاصه در مواردی که خواسته است معرکه‌ها را از پیچیدن بیکدیگر منع کند، به اصطلاح "کبیده کرده است". چون ما به تمنیات ابتر قدرت‌ها تسلیم نشده ایم و سلطه‌ی شرق و غرب را شکسته ایم "دنیا با ما دشمن شده است" و در واقع با این قه‌خواست است ضمن آرام کردن حریفان، بی اعتباری و انزوا و امانندگی روزافزون رژیم را در حال ابتدا شکرترین مسائل مملکت به گردن "قدرت‌های جهانخواه" بیندا زد و سرانجام فاش‌ترین "نه شرقی و نه غربی" را حجت بیاورد و ملی پیدا است با این قفلا همسا ز نیست و بیش از پیش برای این واقعیت مهترت بیدمی زند که "رژیم مخلوق او از اساس درخست مقلولاتی مانند" تعهد و عدم تعهد "و یا وابستگی و عدم وابستگی" جسا نمی گیرد، چرا که در ارتباط با چنین مفاهیمی، پدیده‌ای است که انوع تضادها را در خود جمع کرده است: از یک طرف در زمینه‌های مخصوصاً اقتصادی و مقوله‌ی "واردات و صادرات" که به خودی خود یکی از معیارهای مسلم "وابستگی و عدم وابستگی" است،

بقیه در صفحه ۲

گفتگوها و وعده‌هایی که در باره‌ی استخراج نفت شمال میان شوروی و جمهوری اسلامی در جریان است - در همین حد که تا کنون آفتابی شده است - رسوا می رژیم را در

زمستان سختی

که در پیش است

در ایران فقط یک پالایشگاه نفت است اما می ظرفیت کار می کرد: پالایشگاه شیراز. از پالایشگاه آبادان که زیرتلی از خاک مدفون است اگر بگذریسم، پالایشگاه‌های دیگر جز با بخشی از ظرفیت کار نمی کنند. پالایشگاه‌های تبریز، اصفهان و کرمانشا همه در اثر بمباران‌ها به درجات آسیب دیده‌اند. و اکنون پالایشگاه شیراز هم در فهرست خسارات جنگی قرار گرفته است.

مردم ایران زمستان سختی در پیش دارند: نفت از بار سال نیز کم یاب تر خواهد شد. مردم باید همچنان فشارها را تحمل کنند تا در روسته‌ها کام همچنان سودهای جنگی در سربیه بروند.

بقیه در صفحه ۳

سازمان عقوبین المللی برگزار کرد

نمایشگاه سیار در باره‌ی شکنجه

موقت محل نخستین دیدار آنهاست. یکی تمام می روز دولت را در پشت خود دارد و می تواند بر سر نوشت آن دیگر به دلخواه حکم بیاورد. دیگری جزیبه قوت ایمان و آرمان مجهز نیست. زور بیا بیا مان را در هم شکند تا حکومت خودکا مه‌پا پیدا ربا نسد. شکنجه وسیله این شکستن است.

بقیه در صفحه ۴

چشم‌های مرا دست بیگانه از چشمانه در آورد پس چشمانه‌های خالی را از تاریکی بر کرد و بست این شعر نیست، واقعیت است: واقعیتی دوسویه که یک سوی آن را شکنجه‌گر و سوی دیگر آن را شکنجه‌شونده تشکیل می دهد. دونفری که شایه در زندگی هرگز با یکدیگر روبرو نشده بودند، یکدیگر را نمی شناختند. زندان یا بازداشتگاه

نان جیره بندی؟

را دیو دولتی تهران روز دوشنبه ۲۰ اکتبر اعلام کرد در کشور به هیچ وجه خطر کمبود نان وجود ندارد و دولت قادر است عرضه نان را افزایش دهد.

یکی از مقامات سازمان غله جمهوری اسلامی، در مصاحبه با رادیوی دولتی تهران گفت: "فدا انقلاب از یک طرف

سفر بی ارز

در جمهوری ولایت فقیه، ظاهراً "مسافرت به خارج از کشور آزاد است. هر کس می‌تواند به خارج سفر کند، منتها با دست خالی. این که مسافران در خارج کجا به سر خواهند رسید، چه خواهند خورد و هزینه‌های خود را از کجا بدست خواهند آورد، به جمهوری اسلامی مربوط نیست.

همایون آئین پور معاون داستان عمومی تهران و سرپرست داسرای مستقر در فرودگاه مهرآباد می گوید: مسافران می توانند دو بیست تومان اسکناس و تا ۵ هزار تومان صنایع دستی ساخت ایران با خود همراه ببرند. ارز؟ به هیچ وجه. مسافر آبا حق دارد شایه دیگری به همراه داشته باشد؟ آئین پور می گوید: آری، فقط یک ساعت وانگشتر. وی می گوید: "روزانه حداقل با نرده پرونده در زمینه کشف طلا آلات و جاسازی اسباب گران قیمت در این داسرای تشکیل

بقیه در صفحه ۱۱

شیر و گوشت شتر

در بحبوحه کمبود و گران‌ی گوشت و کم‌یابی شیر، روزنامه‌های رژیم اسلامی، مصرف گوشت و شیر شتر را تبلیغ می‌کنند. بنا به گزارش‌ها، در کتا را انواع نایابی‌ها و گران‌ی‌ها، گوشت معمولی بی‌شش از کیلوئی ۲۵۰ تومان به فروش می‌رسد و گوشت کویینی که برای هر نفر یک کیلو ۷۵۰ تومان عرضه می‌شود نیز کم‌یاب است. مطبوعات جمهوری اسلامی به پیروی از سیاست رژیم نخست برای کالوا جناس نایاب با کم‌یاب، مضراتی می‌تراشند و سپس بطور غیرمستقیم مردم را تشویق به تحریم این کالاها می‌کنند.

مثلاً "مصرف کره یا ستوریزه که اکنون دیگر پیدا نمی‌شود، لوکس‌گرائی نامیده می‌شود. به جای شیر خشک که غذای میلیون‌ها کودک شیرخوار است، تغذیه به وسیله شیر ما در را تجویز می‌کنند، بدون آنکه بگویند هزاران مادر بی شیر که خودشان گرفتار سوء تغذیه هستند چگونه قادر به تاء مین غذای شیرخوارگان خود هستند.

در کتا ر تحریم خوراکی‌ها و پوشیدنی‌ها و ما بحتا روزمره، مبلغان رژیم با زهم مصرف و پرورش قارچ را بعنوان غذایی که دارای پروتئین است و می‌تواند جای گوشت را بگیرد برای مردم گرسنه و نیمه‌گرسنه تجویز می‌کنند.

اخیراً "با بهانه گزارش از مناطق کویری، روزنامه‌کیهان چاپ تهران به سراغ بقایای شتربانا و ساربانهای کویری رفته و در فوا ید پرورش شتر و گوشت و شیر آن تبلیغ کرده است. روزنامه‌کیهان برای آنکه وضاع اسفناک کشا و رزی، دامپروری و کمبود فرآورده‌های غذایی را در جمهوری امامت توجیه کند، نوشته است که پیامبر و مسلمانان از گوشت و شیر شتر استفاده می‌کرده‌اند و ما نمی‌توانیم اگر امت اسلام هم به تبعیت از آن‌ها، گوشت و شیر شتر بخورند.

به گزارش دیگر، برخی از قصاب‌های تهرانی در مواردی دست به کشتار شترزده و گوشت آن را به مردم فروخته‌اند اما به گفته یکی از آن‌ها، تعداد دشتهای موجود نمی‌تواند کمبود گوشت را برطرف کند. روزنامه‌کیهان از قول ساربان‌ها نوشته است اگر دولت به ما برای چسرا و پرورش شترها، موتورسیکلت و قطعات یدکی آن را بدهد، قادریم سالانه چهار تا پنج هزار تن گوشت شتر تولید کنیم، زیرا برای مراقبت از شترها در صحرا موتور بهترین وسیله است.

هم‌میهنان عزیز!

هر روز تلفن خبری نهضت مقاومت ملی ایران از ساعت ۱۱ صبح تا ۱۲ در جریان آخرین خبرهای ایران و جهان قرار می‌دهد. شماره تلفن:

۸۵-۸۵-۳۶-۴۳ پاریس

زمستان سختی که در پیش است

بقیه از صفحه ۱

بنزین هم جیره‌بندی شده است. اما نباید فراموش کرد که جیره‌بندی بنزین صدمه‌اش فقط به دارندگان اتوموبیل نمی‌خورد. تجربه نشان می‌دهد که بنزین جیره‌بندی شده، مانند کالاهای دیگر مشمول جیره‌بندی گران‌نیز می‌شود. و هنگامی که گران‌شده، از راه‌های گوناگون بر قیمت کالاهای خدمات دیگر نیز تاء شیرخوارها گذاشت. رفت و آمدگران خواهد شد. حمل و نقل گران خواهد شد، و چون هزینه حمل و نقل یک عنصر مهم تشکیل قیمت است، در نتیجه قیمت همه کالاهای افزایش پیدا خواهد کرد.

به عنوان مثال برای برنجی که از صفات شمالی کشور به جا‌های دیگر حمل می‌شود، با یکدکرایه یا بربری بیشتری پرداخت. وقتی که کرایه بالا رفت، قیمت خرید هر کیلو برنج نیز بالا می‌رود. فروشنده که آن را از جیب نمی‌برد از روی جنس می‌کشد. و سرانجام آن که با پدیدار افزایش قیمت را تماشا " تحمل کند، مصرف‌کننده نهائی است. اوست که با یدبهای گران شدن اجناس را بپردازد، بدون آن که بتواند آن را به‌دوش دیگری بگذراند.

مصرف‌کننده نهائی آخرین ایستگاه گردونه افزایش قیمت است. با هیچ وسیله‌ای برای جلوگیری از این فشار ندارد. هیچ امکانی که بتواند این گردونه را به ایستگاه هدگیری سوق دهد، ندارد. در کشورهایی که نظام اجتماعی عادلانه‌ای دارند، دولت‌ها نمی‌گذارند که با افزایش قیمت‌ها ما " به مصرف‌کننده نهائی منتقل گردد.

از این گذشته، اتحادیه‌ها و سندیکا‌های

صنعی نیز سهمی در جلوگیری از فشار ادا می‌کنند. ولی در رژیم تهران، نه دولت در اندیشه مصرف‌کننده نهائی است و نه اجازه می‌دهد که اتحادیه‌های آزاد، وزنه‌های خود را در متعادل کردن کفه‌های ترازوی اجتماعی بکارانند. در همه اتحادیه‌ها و سندیکا‌ها، رژیم جاسوسان و خب‌چینان خود را جا کرده است تا مردم جرات نکنند علیه پیا‌مدهای ویرانگر جنگ زیان‌ها اعتراض بکشایند. با این همه صدای اعتراض مدام رسا تر و روشن ترمی گردد. گرداگرد جماران البته حصار کشیده‌اند. این حصار البته جلو بسیاری رخنه‌گری‌ها را می‌گیرد، ولی در برابر صدای نافذ اعتراض جاسوسکاری از آن ساخته نیست. همه تبلیغات کرکننده و پرهزینه جنگ مانع از آن نمی‌شود که مردم از خود بی‌پرسند که چرا با ید این همه محرومیت را به‌خاطر بلندپروازی‌های یک مرد قدرت طلب تحمل کنند؟ مردم خوب می‌دانند که این جنگ، جز آنکه توان معنوی و مادی دوسرزمین همسایه را بفرساید، هیچ نتیجه‌ای ندارد. مردم خوب می‌دانند که جنگ اصلاً " جنگ " اسلام علیه کفر " نیست. مردم خوب می‌دانند که اصطلاح " دشمن زبون " جز برای پوشاندن ضعف و زبونی رژیمی نیست که همه چیز ملست را دارد برای حفظ قدرت ابلسی خود سودا می‌کند.

میان دولت ایران و عراق هیچ اختلافی وجود ندارد که نتوان از راه مذاکره حل کرد. قرارداد ۱۹۷۵ بین این دو بخواهی نشان داد. دولت با یکدیگر دشمن نبودند و نخواهند بود. اگر برای ملت ایران یک دشمن وجود داشته‌باشد، همان رژیم

خیمینی است. دشمن که شاخ و دم ندارد. دشمن به وسیله کارهایی که می‌کند، مشخص می‌گردد. اگر به کشتن دادن مدها هزار جوان ملت ایران، به بی‌سواد دادن ثروت ملی کشور، به ویرانی کشاندن تاء سیاست صنعتی و اقتصادی، دشمنی با ملت ایران نیست، پس آقای خیمینی به ما بگوید که دشمنی چیست.

حتی اگر ندانیم در باطن خیمینی چه می‌گذرد، حتی اگر ندانیم که قصد او از ادا مء جنگ چیست، با زهم زنتیجه‌هایی که ادا مء حکومت او و ادا مء جنگ با آمده است، می‌توان دریافت که او می‌تواند تلافی همه چیز بزند، مگر لاف دوستی با ملت ایران.

جز جماران، هیچ جای کشاورداری پوشش‌هایی نیست. بمباران پالایشگاه‌ری، و اکنون بمباران پالایشگاه شیراز، این راه روشنی نشان داده است. بمباران خارک، لارک، لاوان، جزیره سیری (یا به قول معروف، سیری) - همه نشان دهنده حفره‌هایی است که رژیم در سیستم دفاعی ایران بوجود آورده است. ویرانی بایدا کجا ادا مء یا بدکه دیگر معلوم شود رژیم بنیه دفاعی کشور را به نزدیک مفرکاش داده است؟ نه این جنگ بردتی است، نه این رژیم نجات یافتنی است. ولی رژیم می‌پندارد که با ادا مء جنگ، خود را بیمه عمر کرده است. این یک روی پای باطل است. ولی آنچه روی پای باطل نیست، این است که رژیم هزینه این بیمه را با خون جوانان ما، با ویران کردن تاء سیاست صنعتی و اقتصادی ما می‌پردازد.

رژیمی که در ساختن هیچ یک از این تاء سیاست هیچ سهمی نداشت، در ویران کردن آن‌ها بیشترین سهم را برعهده گرفته است. میان ویرانی ایران و نابودی این رژیم هیچ راه حلی وجود ندارد. یک ایران آبا دو آ دو مرفه فقط با ید پرویرانه‌های این رژیم بنا گردد و بس.

اعلامیه‌های ضد جنگ و ضد رژیم

* اعضا و طرفداران واحد نهضت مقاومت ملی ایران شاخه کلن آلمان غربی، به مناسبت آغاز هفتمین سال جنگ میان ایران و عراق در مرکز شهر، به پخش اعلامیه علیه جنگ پرداختند. این کار با بحث و توضیح برای علاقمندان همراه بود. به علاوه این اعلامیه در اختیار کلیه خبرنگاری‌ها و مطبوعات آلمان و جهان و مرکز خبرگزاری‌ها در شهرین قرار گرفت.

* از سوی دیگر گروهی از اعضا و طرفداران نهضت مقاومت، در نمايشگاه عکس سا زمان عفوبین المللی در شهر کلن حضور یافتند و برای گروه کثیری از

فوتبال ایران، که در شکنجه‌های رژیم خیمینی به نحوی دشتناک شکنجه شده‌اند، به عنوان شاهان نعینی، به شرح وضعیت غیرانسانی و غیرقانونی زندان‌های رژیم خیمینی پرداختند. دوخا نمایرانی نیز به عنوان شاه، در باره‌ی نحوه شکنجه در بازداشتگاه‌ها و زندان‌های مخصوص زنان درایران، توضیحاتی دادند.

این مراسم از سوی تلویزیون آلمان غربی، فیلمبرداری شد.

* در روزهای پنجشنبه دوم و دوشنبه ۶ اکتبر، اعضا و طرفداران نهضت مقاومت ملی ایران، واحد شهرکلن، یک نمايشگاه عکس از جنگ ایران و عراق در مرکز این شهر برگزار کردند. در این نمايشگاه که با پرچم‌سنگ شیر و خورشید نشان ایران برگزار شد، کتاب‌ها و جزوه‌ها منتشر شده از سوی

نهضت مقاومت ملی، در میان علاقمندان توزیع شد.

این نمايشگاه در روزهای هفتم و هشتم اکتبر نیز ادا مء یافت.

* واحد شهری نهضت مقاومت ملی در کلن، در طول هشت ماه گذشته، در جلسات هفتگی خود، گزارش اخبار نهضت از داخل ایران و گزارش‌های مربوط به نهضت در خارج و اخبار سیاسی جهان و تفسیر آن‌ها را به آگاه‌ی اعضا و حاضران می‌رساند. سپس مطالب نشریه‌ی قیام ایران قرائت می‌شود و مورد بحث قرار می‌گیرد. به علاوه نوشته‌های مختلفی از جزوه‌های آموزشی نهضت هموارها از ارکان مهم بحث‌های جلسات آموزشی بوده است.

در جلسه‌ی دهم اکتبر اخیر، برنام‌های سه‌ماه‌آینده‌ی این جلسات ارا شده.

تلفن خبری

نهضت مقاومت ملی ایران - لندن

شماره ۲۲۱۰۶۶۸

نمایشگاه سیار در باره‌ی شکنجه

سازمان عفو بین‌المللی برگزار کرد

بقیه از صفحه ۱

بنازگی سازمان عفو بین‌المللی در آلمان فدرال نمایشگاه سیاری برگزار کرده است در باره شکنجه در سراسر جهان. در ارتباط با همین نمایشگاه جزوه‌ای نیز انتشار داده است زیر عنوان "هرکس شکنجه را تحمل کند، خودش شکنجه‌گر است". این شعار با ایده‌م مردم را، در هر رده و مقامی که هستند، بسیج کند تا زیر بار شکنجه، به هیچ شکلی، نروند؛

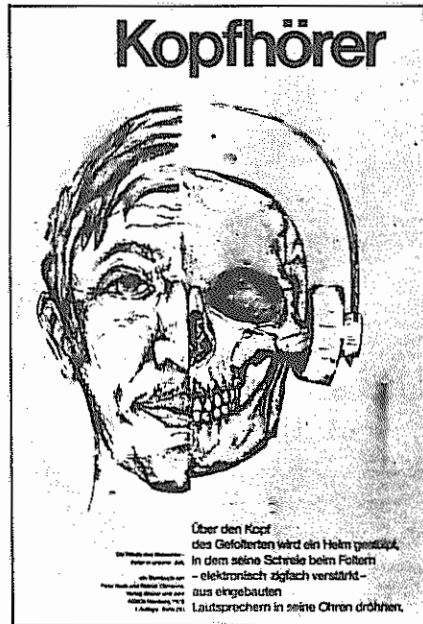
اگر بگوئی مرا با او مرشهرم کاری نیست شهرتندخا موتی نیستی شهرتندیدی هستی .

در جزوه‌ها، نامبرده آمده است که با زمانهای بین‌المللی اگر چه یکمدا شکنجه را محکوم می‌دانند، ولی در بسیاری از کشورهای که عضو همین سازمان هستند، شکنجه اقدام متداولی است که فقط به منظور گرفتن اعتراف اعمال نمی‌شود، بلکه دولت‌های استبدادی می‌خواهند به

وسيله شکنجه، مخالفان سیاسی خود را دلیل‌کنند و در عین حال تیسری در دل مردم بیندازند تا مبادا با آزادی‌ی بیرون‌گذا رنده دولت‌گرداگرد آنان کشیده است .

در این جزوه آمده است که در برخی حکومت‌ها مادران را جلو چشم فرزندان خردسالان شکنجه می‌کنند، گهگاه نیز بستگان و خویشاوندان نزدیک یک مخالف فراری را با زدن شکنجه می‌کنند تا شخص مورد نظر خود را به مقامات تسلیم کند. می‌افزاید:

یکی از بدترین چیزها در زندان اوین این است که روزهای تمام با چشم‌های بسته به انتظار می‌مانی تا کسی بیاید و بگوید چرا تو را با زدن شکنجه کرده‌اند. چشمانی برخی زندانیان را روزها و هفته‌ها و بلکه ماه‌ها بسته نگاه میدارند، چشم‌های سردی



Über den Kopf des Gefangenen wird ein Helm gestülpt. In dem seine Schläfen beim Fahren elektrisch zügelnd verstrickt - aus ergebunden Lautsprechern in seine Ohren dröhren.

را ۲۷ ماه بسته نگاه داشتند. کسی نمی‌دانست چرا او را زندانی کرده‌اند. وی، پس از ۲۷ ماه کا ملا" مات شد و سرش بی اختیار از این پهلو به آن پهلو می‌افتاد. گاهی اوقات، همان طور که نشسته بود، مدام سرش را به دیوار می‌کوبید.

چشمبند را ظاهراً " برای این می‌زنند که ترس زندانی بیشتر شود. هنگامی که برای آغا زبا زبیری چشمبند را برمی‌دارند، تقریباً " هیچ جا را نمی‌بینی .

نور، چشمها را از ذیت می‌کند، سسرت گیج می‌رود، فکرت را بر هیچ چیزی نمی‌توانی متمرکز کنی .

در این جزوه همچنین آمده است که شکنجه‌تنها کار مردم ساد نیست، بلکه از طرف دولت‌ها به صورت نهاد در آمده است تا قدرت‌ها هر خود را به رخ مردم بکشند و مخالفان سیاسی خود را خوار گردانند و بی‌اشرف سازند. و می‌افزاید: اگر چه برای گرفتن اعتراف نیز شکنجه می‌کنند، ولی غالب کسانی که زیر شکنجه قرار می‌گیرند، از اسرار و اطلاع ندارند که بتواتر خود را می‌شناسند. در این جزوه تاء کید شده است که هیچ کسی نباید سهمی را که می‌تواند در مبارزه با شکنجه ببیند، تا چیز بی‌نگارده. هر صدای اعتراضی، هر چند که خفیف، سرانجام تاء شیرخود را می‌کند، و بدترین چیزها بی‌اعتنا زکنا شکنجه‌گذشتن است .

یک دستگا ه مخوف شکنجه که در این کتاب معرفی شده است، " گوش" نام دارد. آن را بر سر شکنجه‌شونده می‌گذارند تا صدای فریادها و جرس خود را کسی دیگر نشنود. اما با پیدمادی فریاد شکنجه‌شدگان را به گوش همه، جهان را رسانند و نقاب از چهره دولت‌ها می‌بردند تا که شکنجه به عنوان وسیله‌ای برای گرفتن اعتراف یا سرکوب مخالفت سیاسی استفاده می‌کنند .

تیراندازی به سوی ایرانیان

جمعه گذشته، پلیس مرزی یونان به سوی چهل آواره ایرانی که قصد داشتند با عبور از یک رودخانه مرزی، خود را از ترکیه به یونان برسانند آتش‌گشود. هیچ یک از ایرانیان گریخته از جهنم خمینی‌درا یونان تیراندازی، زخمی نشدند، اما پلیس مرزی یونان، همه آنان را توقیف کرد.

هنگامی که این چهل ایرانی می‌خواستند عرض رودخانه مرزی را طی کنند مرزبانان یونان و ترک نیز به سوی یکدیگر آتش‌گشودند. به گزارش پلیس یونان، دو هزار ایرانی که بیشتر آن‌ها کردها هستند در نواحی مرزی ترکیه و یونان گردآمده‌اند تا به محض آن که فرصت به دست آورند، به درون خاک یونان رخنه کنند .

طرح کودتای لیبی

به گزارش خبرگزاری یوگسلاوی، جمععه شب ۱۷ اکتبر، احمد محمود لفلان، معاون رهبر یک جنبش واپس‌گرای لیبیایی که به اخوان المسلمین نزدیک است در تلویزیون لیبی اعتراف کرد که می‌خواسته پس از حمله هوایی آمریکا در فروردین گذشته به تریپولی، رژیم سرهنگ قذافی را سرنگون سازد .

وی که در تیرماه گذشته دستگیر شد، در تلویزیون لیبی گفت از "امسیر"، رئیس سازمانی که وی معاون آن است دستور گرفته بوده منظور بی‌ثبات کردن رژیم لیبی و پدید آوردن فضای نا امنی و نابود کردن اعضای شورای انقلاب از جمله سرهنگ قذافی، به عملیات تروریستی دست بزند .

خرقه‌های سوخته!

شیراز، مرگ می‌فروخت، شاعر در درد و عشق، شاعرما، این رها ترشا عرخانه اما با بغل بغل غزل، با وزن سنگین تیش‌های دل عاشقش و اندیشه‌اش - در چنین روزگار رسیا هی، به جنگ ایمن زاهدیابی می‌رود به شبردی جانانه در میان میدان غزل‌رهای انسان دست می‌زند نبردی تن به تن با اهریمنی که خود را خدای زمین می‌خواند و از این، این چنین ابزاری انسان کش آفریده بود، حیلایی بس سنگین .

اما غم‌ناک بود، کم بود، چرا که حافظ بود، حافظ آنجا بود. حافظ عشق، حافظ صدای انسان، حافظ شیراز و شیرازیان - اما صدای زنگسته‌ها از آنجا می‌آید، حافظ حرمت انسان آنجا بود با واژگان کش‌خس ستم را به رگها می‌بست و در غمگدایی که جزا می‌مده شویان و قاریان، آوازی به گوش نمی‌رسید، از شراب ناب عشق می‌خواند. با جنگ رها شدن می‌خواند و محتسب را به وحشت می‌انداخت .

رندی می‌کرد، آن‌گونه سخن می‌گفت که با سدا را ن کوردل محتسب را به خانه شاره می‌نبود. جشن کتاب سوزان پیش رویش بود، اما به یک بیت، خلاصه آن همه را، به گوش‌ها می‌رساند و در گوش کوچک‌های شیراز مثل خون می‌دواند و چون نور - چون باران بر شرب شهر می‌ریخت . وحشت و ترس مردمان را می‌زدود و درای باران و عبای دشمنان را ترس می‌کرد!

گفت و گفت و گفت تا: " ای دل بشا رتسی دهمت محتسب نما ند " آن که روزگاری خلیفه عباسی، امیر مسلمانی می‌خواند و برپا کننده حکومت الله - آن که در تبریز خطبه‌نامه می‌خواند و از آن دیار به عراق لشکر کشید، چنان مست می‌شد که سدا را نیز از یاد می‌برد و نگذاشت - آنان را به سختی آزار داد تا روز موعود فرا رسید. محتسب دیوانه، پیر خسرده اندیشه بی‌دل که پسران را نیز به مرگ تهدید کرده بود، خود را صفها ن به بند پاران افتاد و در یک سپیده دم ما رمضان، هنگامی که چون گذشته خونین - قرآن می‌خواند، شاه محمود و شاه شجاع و راهبه قلعه‌ی بردند و ما نجا چمان همیشه بی‌نور را از چشم‌ها بیرون کشیدند تا دیگر نگاه پلیدی و مرگ آفرینش بر سر

با یان روزگار خمینی نیز، روزی دیگر - روزی نزدیک در زیر آسمان خون گرفته وطن فریاد می‌شود همچنان که " میسر مبارز" وقتی شاه شیخ سی و هفت ساله را به دست پسر کوچک " میر خاچی فراب" سپرد تا او را به قصابی خون پدر بکشند. با یان عصر " بوا سحقی" را، به جشن شبه روزی در میدان سعادت شیراز می‌سازد داد! حاکم تازه به تخت نشسته که به چهل سالگی توبه کرده بود، فرمان داد تا قوانین و احکام شریعت با مراقتبست بسازد، زندگی شیرازیان را تسخیر کند خلیفه نودرگا ه، امر به معروف و نهی از منکر را چنان اجرا روزی که همگان او را " شاه محتسب" خواندند، که به ترک می‌پرستی فرمان می‌داد، خود را معنی تنها محتسب شهر - بی‌مست مست بود، زندان را به زور از خانه با ت به مسجد می‌برد و چنان سیاه دل بود که خواهرزاده خویش را که در " میب‌یزد" خونی ریخته بود، مر به قصابی کرد!

کتاب‌های خطرناک را به فرمان اوشتند و از زمین بردند. روایت کرده‌اند که به شیخ اجل، استاد سخن سعدی نیز به سبب پاره‌ی از سروده‌هایش بدگمان شد و از سدا را نش‌خواست تا صندوق گور سعدی را بسوزانند، اما شاه شجاع، پسر این خلیفه‌نما پنجاه و هشت ساله، شفاعت کرد و پدر را گفت که: من توبه شیخ سعدی را با و ردم!

خلیفه می‌گفته‌ها را بهشت، هم‌ها را شکست و با قساوتی کمیاب، آزار دادند ایشان را به سیاهال انداخت .

می‌گویند در خلوت قرآن می‌خوانند، پا سدا را نمی‌آوردند و سیری بیگنا ه را بر خاک درگاهش می‌انداختند. قرآن را بر زمین می‌گذاشت، برمی‌خواست، او را گردن می‌زد به آرا می‌می‌نست و دوباره قرآن می‌خواند. خود گفته بود که هشتصد سیرا در خلوتگاهش، به هنگام راز و نیاز با خدای قهار بر دست خویشتن کشته است. هر چه بیشتر می‌کشت، وحشت و نفرت شیرازیان را افزایش می‌ساخت. بد زبانی بود، بی‌رحم بود، جان می‌خرید از آن، وحشت می‌فروخت گران!

در می‌گفته‌ها را بهشت تا دکان رسیا را بگشاید! این را حافظ، حافظ بزرگ خانه بزرگان خراب شده ایران، نوشت! همان روزها که خلیفه‌نمایی

ایران و خاورمیانه



در مطبوعات بین‌المللی

عملیات مبهم "کرکوک"

در حالی که جمهوری اسلامی عملیات "والفتح - یک" را در تاریخ جنگ‌های جهان بی سابقه می‌دانند و اعلام می‌کنند که در این نبرد، تاء سیاست نفتی کرکوک را نابود کرده است، روزنامه نگاران خارجی که از این تاء سیاست با زبده کرده‌اند گزارش دادند که تاء سیاست نفتی کرکوک کاملاً سالم است و بطور عادی به کار خود ادامه می‌دهد.

رادیوی دولتی تهران، دیروزی تفسیری عملیات چریکی "والفتح" را در تاریخ جنگ‌های جهان بی سابقه توصیف کرد و گفت تا بدستوران این عملیات را تنها با نبرد "دین - بین تو" مقایسه کرد.

رادیوی جمهوری اسلامی ضمن تاء کید بر اهمیت اقتصادی مجتمع نفتی کرکوک گفت: نیروهای اسلام در این عملیات چریکی که تنها ۳ تا ۴ ساعت طول کشید، با استفاده از سلاح‌های نیمه سنگین و توپخانه سنگین که در محل غنیمت گرفته شد در منطقه‌ای کوهستانی واقع در ۱۵۰ کیلومتری مرز ایران که تحت حفاظت شدید عراق قرار دارد، توانستند ضربات مهلکی بر تاء سیاست نفتی کرکوک وارد کنند.

رادیوی جمهوری اسلامی افزود: این عملیات به مخالفان حکومت عراق نشان داد که می‌توانند با عملیات چریکی به عمق خاک عراق نفوذ کنند و از سوی دیگر با فلج کردن صادرات نفت عراق، باعث افزایش بهای نفت در جهان شوند. در همین حال گزارشگر خبرگزاری فرانسه از کرکوک گزارش داد که گروهی از روزنامه نگاران عرب و غربی صبح روز ۱۳ اکتبر از تاء سیاست نفتی کرکوک واقع در ۳۰۰ کیلومتری شمال شرقی بغداد بازدید کردند. بنا بر این گزارش مجتمع نفتی کرکوک و سایر واحدهای صنعتی این شهر هیچ گونه آسیبی ندیده‌اند و صدور نفت عراق بطور عادی ادامه دارد.

فاروق شکری گزارشگر خبرگزاری فرانسه می‌نویسد: سامی شریف رئیس سازمان کل نفت شمال عراق به روزنامه نگاران گفت: فعالیت مجتمع نفتی کرکوک هیچ گاه قطع نشده است و اکنون نیز این تاء سیاست بطور عادی کار می‌کند و صادرات نفت آن به پالایشگاه

"یومورتالیک" در ترکیه در روز دوشنبه از یک میلیون بشکه نیز تجاوز کرد. به گفته‌ی جمهوری اسلامی از آغاز جنگ تا بحال، هرگز نتوانسته‌است به تاء سیاست نفتی کرکوک نزدیک شود و اختلالی در صادرات نفت عراق به ترکیه ایجاد کند. سامی شریف در همین حال گفت: تاء سیاست کرکوک در سال ۱۳۵۹ در آغاز جنگ یکبار مورد حمله جمهوری اسلامی قرار گرفت ولی از آن زمان تا بحال جمهوری اسلامی موفق به عبور از موانع دفاعی عراق برای حمله به این شهر نشده است.

خبرگزاری فرانسه می‌افزاید: روزنامه نگاران خارجی که مدت سه ساعت از قسمت‌های مختلف تاء سیاست نفتی کرکوک بازدید کردند هیچگونه آثار خرابی در آن‌ها مشاهده نکردند. عبدالرزاق حسین، رئیس شاله لوله نفت عراق - ترکیه نیز تاء کید کرد که ارسال نفت به ترکیه مانده گذشته و در سطح معمول خود ادامه دارد.

خبرگزاری فرانسه یادآوری می‌کند که ترکیه نیز فردای عملیات والفتح - یک اعلام کرده‌اش لوله نفت عراق به ترکیه هیچ آسیبی ندیده است و جریان نفت آن هیچ گاه قطع نشده است. به گزارش فاروق شکر، نماینده خبرگزاری فرانسه، منظر تصیف جاسم استان‌دار کرکوک که روزنامه نگاران را همراهی می‌کرد گفت: جمهوری اسلامی هیچ گاه موفق نشده است در استان کرکوک به عملیات خرابکاری بیا عملیات نظامی دست بزند. وی افزود: عبور از مناطق کوهستانی مرزی و رسیدن به شهر کرکوک حتی در حالت عادی نیز، نه چند ساعت، بلکه چند روز طول می‌کشد.

خبرگزاری فرانسه در پایان خاطر نشان می‌کند حوزه نفتی کرکوک که ۱۰۰ کیلومتر طول و ۲۰ کیلومتر عرض دارد در سال ۱۹۲۷ میلادی یعنی نزدیک به ۴۰ سال قبل افتتاح شد و از سال ۱۹۳۴ صادرات نفت خام از این منطقه آغاز گردید.

خبرگزاری فرانسه - ۱۴ اکتبر ۱۹۸۶

حل مناقشه مالی

ژاک شیراک نخست وزیر فرانسه روز ۱۳ اکتبر اعلام کرد که موافقت‌نامه‌ای برای حل مناقشه مالی میان جمهوری اسلامی ایران و فرانسه در سطح کارشناسان دو کشور به ماضی رسیده است، اما هنوز وزیران خارجیه دو کشور آن را امضاء نکرده‌اند.

شیراک تاء کید کرد که ژان برنارد رومون و علی اکبر ولایتی وزیران خارجه دو کشور درباره این مسئله در نیویورک گفت‌وگو کرده‌اند و هر دو وعده داده‌اند که برای مشخص کردن جزئیات موافقت‌نامه که به امضای کارشناسان رسیده است، یک نشست دوباره لازم است.

وی یادآوری کرد که فرانسه برای رژیم تهران به خوبی روشن ساخته است که در سیاستش در مورد عراق تغییری نخواهد داد. اما در عوض به سرعت مسئله حضور سازمان‌های ضد جمهوری اسلامی را در خاک خود حل و فصل کرده است. اشاره شیراک به عزیمت مسعود رجوی، مسئول سازمان مجاهدین خلق از پاریس به بغداد است. خبرگزاری فرانسه که این خبر را مخابره کرده، می‌نویسد: مناقشه مالی میان فرانسه و جمهوری اسلامی ایران در تارخه و ام یک میلیون دلار است که در زمان شاه به سازمان انرژی فرانسه برای اجرای پروژه اورودیفا داده شده بود و اکنون جمهوری اسلامی خواستار بازپس گرفتن آن است. از سوی دیگر فرانسه نیز بخوا طرفش بسیاری از قراردادهایی که با جمهوری اسلامی ایران داشته است تقاضای خسارت کرده است.

روزنامه ملیبرایسیون چاپ پاریس نیز در شماره ۱۴ اکتبر خود می‌نویسد: فرانسه برای بازپرداخت این وام خواستار آزادی گروگان‌های فرانسوی اسیر در لبنان شده است.

شو

تلویزیون جمهوری اسلامی

تلویزیون جمهوری اسلامی شب سیزدهم اکتبر مصاحبه‌ای با جان پاتیس تبعه امریکاراکه به گفته رژیم تهران به جاسوسی برای "سیا" اشتغال داشته است نمایش داد.

وی در ماه ژوئیه گذشته از سوی مقامات امنیتی جمهوری اسلامی به جرم جاسوسی برای امریکا دستگیر شد. جان پاتیس در سخنان خود گفت: گمان می‌کنم تا زمانی که مناسبات جمهوری اسلامی و امریکا بهبود نیابد من در زندان بسرخواهم برد. نا مبرده یک تکنیسین امریکائی است که با گذرنا مهائلیائی از سوی شرکت مهندسی "کاموس" بر اساس قراردادی با جمهوری اسلامی در ایستگاه ماهواره‌ای اسداباهمدان کار می‌کرد. پاتیس پس از بمباران ایستگاه مخابراتی اسداباه از سوی جمهوری اسلامی متهم شد که اطلاعات مربوط به این ایستگاه را در اختیار امریکا

قرار داده است. در همان زمان خواهر جان پاتیس در امریکا اعلام کرد که شرکت "کاموس" به درخواست جمهوری اسلامی برادرش را با گذرنا مهائلیائی به ایران فرستاد تا فاش نشود که یک امریکائی در جمهوری اسلامی خدمت می‌کند.

جان پاتیس ۵ ساله که در کارولینای جنوبی بدنیا آمده است در این مصاحبه تلویزیونی گفت: از سال ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۹ و سپس از سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۶ زمان با زداشتش در ایران کار می‌کرده است. وی که در محل اقامت خود در هتل شرایتون تهران دستگیر شده بود گفت: اطلاعات مربوط به اوضاع اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی را از طریق شرکتش در اختیار سازمان اطلاعات امریکا "سیا" قرار می‌داده است.

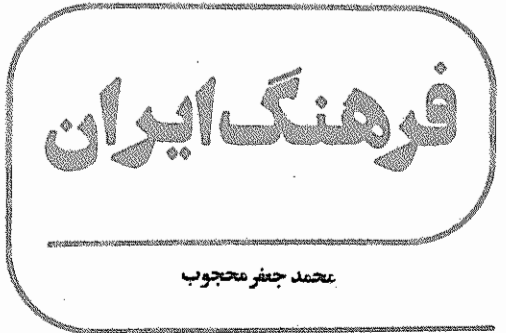
جان پاتیس که لباس سبز رنگ بزرگداشت به مدت ۳۵ دقیقه در برابر دوربین‌های تلویزیونی با مخاطبان نش به زبان انگلیسی سخن گفت. حرف‌های وی با صدائی از پشت صحنه به فارسی ترجمه می‌شد. خبرگزاری‌ها - ۱۴ اکتبر ۸۶

مبارک در جنگ با آزادهای هفت سر

مبارزه روز به روزی که حسنی مبارک رئیس جمهوری مصر در آستانه ششمین و آخرین سال دوره ریاست جمهوری خود، برای تصحیح سیاست اقتصادی کشورش در پیش گرفته است به مبارزه مردی در برابر آزادهای هفت سر می‌ماند. اما وی حتی اگر تمام توان خود را بگرد آورد، نخواهد توانست در برابر بر میزان و دامنه مشکلاتی که در طول سالین به این کشور به میراث رسیده مقاومت کند، کشوری که ۵۰ میلیون فقر جمعیت دارد و نیمی از مواد غذایی خود را از خارج وارد می‌کند. در عین حال، مشکلات پیش بینی نشده‌های مانند کاهش بهای نفت، کاهش درآمد ناشی از رفت و آمد کشتی‌ها در کانال سوئز و نیز انتقال ثروت‌های داخلی به خارج که خود از سقوط قیمت نفت ناشی می‌شود دردهای ملموسی را به مشکلات بنیادی موجود افزوده است. دردهائی که بظاهری هیچ درمانی ندارد. از سوی دیگر این سرزمین از رشدشان جمعیت که هر ۹ ماه یک میلیون بر آن افزوده می‌شود، رنج می‌برد. این رشد غول آسای جمعیت به رشدی دروپیکر شهرها و به زیان مناطق کشاورزی می‌انجامد.

هم‌اکنون سطح زیرکشت در این کشور از ۳۵ تا ۳۶ هزار کیلومتر مربع تجاوز نمی‌کند و تنها به دلتای نیل و نیوار سبز پیرامون آن محدود می‌شود. که وسعت آن حدود یک هزار کیلومتر مربع است. بر همه این‌ها، سنگینی وام خارجی را که از سال ۱۹۶۲ روی هم انباشته شده و اکنون به گفته کارشناسان غربی ۳۵ میلیارد دلار و به زعم مقامات مصری ۲۵ میلیارد دلار است، نیز با یسد افزود، وامی که سبب شده تا مرد دست طلب به سوی مونسات مالی بین‌المللی (مانند بانک جهانی) دراز کند که

بقیه در صفحه ۱۱



محمد جعفر محبوب

بوستان شیخ اجل سعدی

نمونه فصیح ترین سخن پارسی

آن گاه " مدح ابوبکر بن سعد بن زنگی " فرمان روای شیراز عصر سزیده شدن بوستان است. اما این مدح با دیگر ستایش ها تفاوت دارد. وی منت بر سر مردم مدح خویش می گذارد که این کتاب را به نام وی سروده است و به گوش اومی کشد که سروده شدن این دفتر در دوران وی، نامش را چا و دان خوانده است. اینک چند بیت از این " ستایش " ها:

مراطبع از این نوع خواهان نبیود
 سرمدت پادشاهان نبیود
 ولی نظم کردم به نام فلان
 مگر باز گویند صاحب دلان
 که سعدی که گوی بلافیت بریود
 در ایام بو بیکر بن سعد بود
 سزد گریه دورش بنارم چنان
 که سیدیه دوران نوشین روان
 و چون دردوران این پادشاهان (اتابکان قنار)
 این سرزمین از هجوم خونین مغول در مان ماند و آرام
 جای و پناه گاه مردم شد، سعدی بدین مطلب چنین
 اشاره می کند:

گراز فتنه آید کسی در پناه
 ندارد جز این کشور آرامگاه
 ندیدم چنین گنج و ملک و سریر
 که وقف است بر طفل و دیویش و پیر
 نیا مدبرش، در دناک غمی
 که نهاد بر خاطر مرهمی
 شاعر این امتیاز نشان خوش بختی مدوح می داند
 یکی از نشانه های بخت همایون وی را وجود خویش در
 دوران اومی داند:

در ایام عدل تو ای شهریار
 ندارد شکایت کس از روزگار
 هم از بخت فرخنده فرجام تست
 که تاریخ سعدی در ایام تست
 که تا بر فلک ماه و خورشید هست
 در این دفتر ذکر جا دیده هست
 هر جای این کتاب یگانه نوی ما نندرا که بکشای پسند
 می بیند آیت زیبایی و نمونه کامل فضاحت است و از
 همین روی است که ما تا کنون نتوانسته ایم از مقدمه
 کتاب فراتر رویم. اما برای آن که نمونه ها یی از دیگر
 فصل های کتاب نیز به دست داده شود، چند قطعه از آن
 را برای تقدیم به خوانندگان گرامی برگزیده ایم.
 نخستین قطعه از باب سوم، در عشق و مستی و شور
 انتخاب شده است، در باب تفاوت بین عشق مجازی و
 عشق حقیقی:

تورا عشقی همچون خودی زاب و گل
 ربایده می صبـرو آرام دل
 به پیدا ریش فتنه (= عاشق) برخو خال
 به خواب اندرش، پای بند خیال
 به صدقش چنان سرنهی در قدم
 که بینی جهان با وجودش، عدم
 چو در چشم شاه دنیا یـد زرت
 زر و خاک یکسان نماید سرت
 دگر با کست بر نیاید نفس
 که با او نمائد دگر جای کس
 تو گویی به چشم اندرش منزل است
 و گردیده بر هم نپی، در دل است
 نه اندیشه ز کس، که رسوا شوی
 نه قوت، که یک دم شکیبا شوی
 گرت جان بخواهد، به لب بر نهی
 و گرتیغ بر سر نهی، سرنهی
 چو عشقی که بنیاد آن بر هواست
 چنین فتنه انگیز و فرمان رواست
 عجب داری از سالکان طریق
 که باشند در بحر معنی غریق
 به یاد حق از خلق بگریخته
 چنان مست ساقی که می ریخته
 شب و روز در بحر سودا و سوز
 ندانند ز آشفته گی شب ز روز
 چنان فتنه بر حسن صورت نگار (= خدا)
 که با حسن صورت ندرند کار

پیش از این چند بار گفته ایم که معمولاً " در ادب فارسی
 مؤلف هر کتاب - نظم یا نثر - پیش از ورود در مطلب
 اصلی کتاب خویش با یک مقدمه ای چند راعایت کند از
 قبیل: حمد خدا، ستایش پیغمبر و پادشاهان و ستایش
 شیعه است اما ما آنجا نشینا نش) ، مدح و ستایش
 فرمان روای وقت، علت تا لیف کتاب و احیاناً
 گفتگوی ستایش آمیز از کسی که او را مدح مورتا لیف کتاب
 کرده است و مانند آن ها، آن گاه به اصل مطلب می پردازد.
 بوستان سعدی نیز از این مقدمات خالی نیست. حمد خدا
 و رسول در بوستان در حدها علی فضاحت و زیبا نی است.
 پس از آن " سبب نظم کتاب " است که گفتیم شیخ اجل
 آن را به عنوان ارمغان برای هم شهریان سروده است.

کهن به عنوان ره آورده ارمغان برای هم شهریان خود
 نظم بوستان را آغاز کردم:
 در اقصای عالم بگشتم بسی
 به سر بردم ایام با هر کسی
 تمتع (= بهره بردن) ز هر گوشه ای یافتم
 ز هر خرمنی خوشه ای یافتم
 جو مردان شیراز، خاکسای نهاد
 ندیدم، که رحمت بر این خاک آباد...

دریغ آمدم زان همه بوستان
 تپی دست رفتن سوی بوستان
 به دل گفتم از مصرقند آورند
 بر دوستان ارمغانی * برنند
 مرا گرتی باشد از قند دوست
 سخن های شیرین ترا ز قند هست
 در آن روزگار، قند نه بدین ارزانی بوده است و نه بدین
 فراوانی، بلکه آن را به صورت کالایی گران بها و
 لوکس به عنوان ره آورده شهری به شهری می برده اند.
 اما سعدی که قند مصری در دست نداشت سخن های
 شیرین ترا ز قند خود را ارمغان دوستان کرد. خـ
 گوید: کاخی از دولت پرداختم و بر آن ده در (= باب)
 از شربت ساختم. مقصود وی آن است که بوستان
 دارای ده باب است که به ترتیب عبارتند از: ۱- باب
 عدل و تدبیر و ۲- احسان ۳- عشق و مستی و شور
 (= عشق عارفانه) ۴- تواضع ۵- رضا ۶- فنا عت
 ۷- در عالم تربیت ۸- در ذکر بر عافیت ۹- در توبه و
 راه صواب ۱۰- در مناجات و ختم کتاب.

در این منظومه بعضی باب ها از بعضی دیگر مهم تر است.
 مثلاً وی در باب نخست از " عدل و تدبیر و ای " یعنی از
 سیاست و ادب مملکت داری، و نکته های ظریف و دقیق
 فن حکم رانی سخن می گوید، یا در باب سوم: عشق و
 مستی و شور، می گوید به بیاری کلمات حال وصف نشدنی
 عارفان را بیان کند، اما همه جا چیزی که در نخستین نظر
 توجه خواننده را جلب می کند زیبا نی، جا افتادگی و
 روانی سخن گوینده است. با تمام این احوال بوستان
 در طی یک سال و یه احتمال قوی تر در طول سه ماه به سال
 ۶۵۵ (یک سال پیش از تاریخ لیف بوستان) سروده شده
 است. وی در این باب گوید:

به تاریخ فرخ میان دو عیب
 ز شصت فزون بودین جا و پنج
 که پردردش این نام بردار گنج
 مرا داد و عهد، یکی عید فطر و دیگری عید قربان است که
 اولی روز اول شوال و دومی روز دهم ذی الحجه و فالسه
 میان آن دو فقط دوماه و ده روز است. از سوی دیگر
 نمی توان گفت که مرا دشا عرفا صله میان عید قربان و
 عید فطر (به عکس مورد اول) بوده است، چه در این
 صورت مجبوریم عید قربان را سال و عید فطر سال بعد را
 ملاک قرار دهیم. آن گاه سراپنده این شا هکار بزرگ
 با چنین فروتنی آن را به هم شهریان خود پیش کش
 می کند:

بمانده است بادا منی گوهرم
 هنوز ز جالت به زانو سرم
 که در بحر لوء، صدف نیز هست ***
 درخت بلند است در باغ و، بست
 الا ای خردمند با کیسه خوی
 خردمند نشنیده ام عیب جوی
 شنیدم که در روز میسدو بیم
 بدان را به نیکان بیخشد کسیرم
 تونی ز اریدی بینیم در سخن
 به خلق جهان آفرین کار کن
 چو بیستی پند آیدت از هزار
 بمردی که دست از تحت (= سرزنش) بدار
 گل آورد سعدی سوی بوستان
 به شوخی و لطف به هندوستان
 چو خرما به شربنی اندوده بوست
 چو یازش کنی استخوانی در اوست

پیش از این چند بار گفته ایم که معمولاً " در ادب فارسی
 مؤلف هر کتاب - نظم یا نثر - پیش از ورود در مطلب
 اصلی کتاب خویش با یک مقدمه ای چند راعایت کند از
 قبیل: حمد خدا، ستایش پیغمبر و پادشاهان و ستایش
 شیعه است اما ما آنجا نشینا نش) ، مدح و ستایش
 فرمان روای وقت، علت تا لیف کتاب و احیاناً
 گفتگوی ستایش آمیز از کسی که او را مدح مورتا لیف کتاب
 کرده است و مانند آن ها، آن گاه به اصل مطلب می پردازد.
 بوستان سعدی نیز از این مقدمات خالی نیست. حمد خدا
 و رسول در بوستان در حدها علی فضاحت و زیبا نی است.
 پس از آن " سبب نظم کتاب " است که گفتیم شیخ اجل
 آن را به عنوان ارمغان برای هم شهریان سروده است.



امروز سخن از یکی از منظومه های گران قدر و درجه اول
 فارسی در میان است. هر کس نام شیخ اجل سعدی را
 شنیده باشد، بی شک نام دو کتاب بسیار معروف او،
 گلستان و بوستان را نیز شنیده است و با کمال تاسف
 بنده خودگناه در میان جوانان دبیرستانی (و احیاناً
 دانشگای) کسانی را دیده ام که نمی دانستند که نام یک
 از این دو کتاب به نثر است و کدام به نظم سروده شده
 است.

در هر صورت، گلستان سعدی بی هیچ گفتگو معروف ترین کتاب
 نثر فارسی است. کتابی است که از نخستین روز نوشتن
 شدن جای خود را در صدر آثار منشور فارسی باز کرده است
 امروز (و شاید همیشه) نیز در همان مقام اول باقی
 مانده است.

اما سخن گفتن از آثار منظوم، و تعیین درجات و
 مراتب آن ها بدین آسانی نیست. علت این امر آن است
 که در ادب فارسی، شعر بسیار وسیع تر و پدیدآورنده تر و
 متنوع تر از نثر است و در واقع بسیاری از وظایفی را که
 نثر باید انجام می داده، در کشور ما، به علی که اکنون
 مجال گفتگو در باب آن نیست، شعر بر عهده گرفته است.
 از این روی است که در میان شاعران ایران گروهی که
 به نظر بنده پنج وجه نظری صاحب نظران دیگرش
 تن اند، هر یک در کار خود در زمینهای که سخن رانده اند،
 بزرگ استاد، بلکه خداوندگار سخن شناخته شده اند.
 بی آن که جا را برای دیگری تنگ کنند. آن پنج سخن
 که مورد نظر بنده است به ترتیب تاریخ زندگی (یا تاریخ
 وفات) عبارتند از: فردوسی، نظامی، مولانا جلال لدین،
 سعدی و حافظ. گروهی خیام را نیز بر این پنج سخن
 افزوده اند و اگر چنین باشد، از نظر تاریخ وفات باید
 او را پس از فردوسی جای داد.

علت این که نمی توان گفت هیچ یک از این خداوندگاران
 سخن از دیگری بزرگ تر یا کوچک ترند این است که
 فردوسی استاد همه است، و گوا این که گروهی (از جمله
 شادروان ملک الشعراء بهار) معتقدند که وی در تمام
 زمینه های سخن دست داشته، و این سخن تا حدی درست
 است، اما کار اصلی وی سرودن شعر حماسی است و نه تنها
 کسی پیش از او بدین درجه نرسیده است، شگفت انگیزتر
 این که شاعران پس از وی نیز با آن که سر مشقی چون
 شاهنامه را پیش روی خود داشته اند، هیچ یک حتی به
 حریم فردوسی نزدیک نیز نشده اند.

کا رو دیگر شاعران نیز بر همین قیاس است. نظامی می شاعر
 داستان سرا و بزم آراست. وی در حقیقت وظیفه
 داستان نویسان را بر عهده گرفته و پنج منظومه پدید
 آورده است که سه تای آن ها عاشقانه، یکی عارفانه و
 دیگری آمیخته از حماسه و اخلاق است، اما بدیهی
 است که امتیاز او زاده، داستان های عاشقانه است.
 مولانا جلال لدین بزرگترین شاعر عرفان و وصفی منش
 است. کسی است که از اصول و مبانی و مقاصد تصوف
 چنان در شعرا استفاده کرده، و چنان روح آشفته و
 شورجالی در شعر میدهد است که پس از وی هیچ کس
 نتوانست شعرا بدان مایه از گرمی و شور برسانند.

سعدی، استاد سخن، خداوندگار زبان فارسی، رب النوع
 فصاحت و بلاغت و مدرن ترین دیوان غزل عاشقانه است
 شعر حافظ ترکیبی است بدیع، بهشتی، بلند و پرا بهام
 از مجموع امتیازهای این بزرگواران. بنا بر این
 نمی توان نخستین کتاب شعر را بهترین دیوان را در
 شعر فارسی به آسانی مشخص کرد. درست است که هیچ
 دیوان شعری به اندازه دیوان آسمانی غزل های حافظ
 در ایران و در تمام دنیا یی فارسی زبان دوستدار و
 هوا خواه ندارد. اما این مطلب به هیچ روی از جلالست
 قدر شاهنامه، خسرو شیرین نظامی و مثنوی مولانا
 جلال لدین یا رباعی های رندانه خیام نمی کاهد.
 آنان نیز در این بارگاه جلال جا و داده بر مستندهای خود
 تکبیدارند.

با توجه بدانچه معروض افتاد، اگر بگوییم بزرگترین
 و معروفترین منظومه های که به زبان فارسی از فزون
 مختلف زندگی، از ادب و سیاست و عشق و اخلاق سروده شده
 بوستان شیخ اجل سعدی است سخنی به گزاف نگفته ایم.
 علاوه بر این شعر و نثر سعدی، بی گفتگو، فصیح ترین
 نمونه سخن پارسی، و شعر بوستان فصیح ترین و
 زیبا ترین نمونه سخن سعدی است.

عاقبت استادان دانشگاه

استادان بی خانمان

استاد، برای کار تحقیقاتی در ایران امروز، باید سند خانه اش را گرو بگذارد

برای آن هایی که حرفه ارزشمند و پربهای استادی دانشگاه ها را انتخاب می کنند و بعد از حداقل ۲۰ سال تحصیل به عنوان مربی و یا استادیار استخدام و پس از گذراندن دوره های استادیاری و دانشیاری که به ازای دریافت هریک از این عنوان ها می باید از پاره های گذشته، صاحب تحقیقات و تالیفات و مدارج تکمیلی دیگری هم بشوند تا به مقام استادی دانشگاه ارتقاء یابند و با حقوقی متوسط بگذرانند زندگی بپردازند، بسیار آسان تر و بی دردسرتر امکان داشت که بدون تحمل هزینه ۲۰ سال تحصیل در داخل و یا خارج کشور، بلافاصله وارد بازار کار شوند و در بخش های خصوصی و یا مراکز دیگری حقوقی بیشتر و فراغتی افزون تر دست یابند. اما این تنها عشق و علاقه باطنی به امر تدریس، پژوهش و در مسائل علمی و نوآوری هاست که آدمی را از مزایای دیگری از می دارد و آگاهانه او را به سوی دانشگاه ها می کشاند. با این تذکر که در جوامع پیشرفته و با اخلاق، استادان دانشگاه از حرمت و احترامی برتر و افزون تر برخوردارند.

علوم و آموزش عالی هزینه طرح در اختیار استاد مربوطه قرار می گرفت. امروزه باید با گذراندن همه مراحل گذشته برای دریافت هزینه طرح تحقیقاتی، استاد سند مالکیت خانه و یا املاک خود و یا دوستانش را گرو بگذارد. تضمین بانکی را هم به آن اضافه کند، شایه گسار آن چنان است که شخصی بخواد هدیه برای راه اندازی دکان خود و یا تعمیر خانه خویش به بانک رهنی مراجعه نماید این لغو استقلال دانشگاه ها و وابستگی آن ها ابتدا به وزارت علوم و آموزش عالی و پس از آن ادغام تدریجی دانشگاه ها به وزارت خانه ها که می توان آن را به عنوان تکه تکه کردن و شقه نمودن دانشگاه ها به شمار آورد یکی از بزرگ ترین و دردناکترین مسائلی است که موه سات علمی کشور بدان دچار شده و سطح دانشگاه ها را تا حد ادراکات ثبت اسناد و سجل احوال تنزل داده است. بیوستن دانشگاه های پزشکی به وزارت بهداشت ری، ترفندهای مربوط به ضمیمه شدن دانشگاه های فنی و مهندسی به وزارت صنایع و دانشگاه های کشاورزی و دامپزشکی به وزارت کشاورزی از جمله این اقدامات است.

در ازای خلق همه این مشکلات، کمبودها و ادبای برای استادان و دانشگاه های ایران تنها تحفه ای که رژیم جمهوری اسلامی به این مراجع اعطا کرده است بخشنامه ای است که از سوی آقای دکتر فرهادی وزیر فرهنگ و آموزش عالی رژیم جهت اجرا به دانشگاه ها و موه سات آموزش عالی ابلاغ کرده است که عنوان و متن خبری شرح زیر در روزنامه اطلاعات ۱۷ آذرماه ۱۳۶۴ منتشر شده است. " تسهیلات لازم برای شرکت کلیه دانشگاه های ایران جهت جنگ " : بدینوسیله مسئولیت حسن اجرای اعزام استادان به همراه دانشجویان به جبهه ها به عهده رؤسای دانشگاه ها گذاشته شده است. و در تعقیب این بخشنامه نیز سیمینار سه روزه ای از روز شنبه الی سه شنبه ۲۷ خردادماه ۱۳۶۵ با شرکت رؤسای دانشگاه ها و معاونین امور جنگ و شوراهای جبهه دانشگاهی، نمایندگان انجمن های اسلامی مرکز آموزش عالی در تهران تشکیل می شود که در قطب نما آن آمده است: "... ما دانشگاه های کشور در تلاش جهت رفع نیازهای جبهه جنگ بطور منظم اقدام به اعزام های شش ماهه نموده و در این مسیر در سیمین اعزام سراسری دانشگاه های بطور گسترده شرکت خواهند کرد. ..."

بودن مرکز در اختیار نیست و یا در اثر مصرفه زیاد بدون استفاده در گسوسه های افتساده و متساوزه کاغذ هم بصورت چیره بندی درآمده است. مشکل دیگری خیر در پرداخت حقوق ما هیانه و بخصوص تعهدات مربوط به حق التدریس است. یکی از استادان طی نامه ای در دلدل می گردومی گفت، مدت یک سال است حق التدریس او پرداخت نشده، چون مسئولین دانشگاه ها که اغلب از دانشجویان و کارمندان جزء ولی عضو حزب جمهوری اسلامی هستند، دارای کمترین اختیار نیستند، تا حدی که حتی نمی توانند تضمینی در مورد پرداخت حق حقوق ما هیانه بدهند تا چه رسد به حق التدریس.

کارتها وقت دانشگاه ها به صورت خواب و خیال درآمده است. استاد که گسسه حتی مطمئن نیست آخر هر ماه حقوقش را دریافت کند و زندگی را با مشقت بچرخاند بناچار به کارهای دست دوم و سوم آن هم چنانچه پیدا شود تن در می دهد تا جایی که بتدریج کار دانشگاه ها به صورت یک حرفه خاصه ای درآمده است. کاربرد علمی نیز از اصولی که قبلاً رعایت می شد و بیشتر بخاطر آن بود که اساتید در هر مرحله ترقی، خود را با پیشرفت علوم و فنون جدید آشنا ساخته و با ترقیات علمی پیش بر آورده به کلی بیگانه شده است، چون کار در آموزشی دانشگاه ها نیز همانند دیگر کارمندان هر چند سال یک بار رتبه های آن گریه دهند در یافت می دارند. البته این مسئله برای کارمندی که فعالیت علمی و پژوهشی ندارد امری طبیعی است ولی در مورد کسانی که مسئولیت تربیت نسل آینده را بر عهده دارند و موظفند در ارتقاء سطح علمی خود و دانشجویان درجاتی را بگذرانند نه تنها موجه نیست بلکه بسیار زیان بار و بیگانه ای آید و چنانچه نمی توان بدیده ای را در هیچ جای جهان تربیت توان سراغ گرفت. استاد که می باید به دنبال ارزاق برود، در بردارند آموزش و ثبت نام فرزندانش در مدارس، در شش سال ها در دانشگاه ها به خانه ای بنشیند و از همه مهمتر هتک حرمت را نیز تحمل کند... چگونه قادر است مقاله ای جدید و پژوهشی تنظیم نماید. کتابی دانشگاهی بنویسد. یک نظریه لیست کتابهای منتشر شده از سوی استادان دانشگاه ها در ۷۲ الی ۸ ساله اخیر و مقایسه آن با سال های گذشته نشان می دهد که چگونه ایران در فقر علمی و پژوهشی می سوزد. هنوز بیشتر از ۸۰ درصد تدریس در دانشگاه ها با استفاده از کتاب های درسی گذشته صورت می گیرد که معمولاً در مسائل علمی هر ۵ سال یک بار به حدی که با آنها تجدید نظر می شود. و مسائل جدید به آن ها اضافه شود. برای انجام یک کار پژوهشی اگر در سابق با ارائه طرحی قابل قبول برای وزارت

طریق درآمده مهرش تا مین نماید، زیرا حقوق دریافتی برای استادی که ۲۵ سال سابقه خدمت دارد مبلغی حدود ۱۰ الی ۱۲ هزار تومان است. در صورتی که برای یک مسکن دو اتاقه در تهران که با هزاران مشکل پیدا خواهد شد مشتری فقط باید متوجه و از یکصد هزار تومان پیش قسط پرداخت کند و مبلغی حدود ۸ هزار تومان ما هیانه بپردازد. مسئله آتق در تاسف آراست که آقای اسرافیلیان مخیر فرهنگ و آموزش عالی مجلس شورای اسلامی در جلسه روز شنبه ۳۱ خردادماه ۱۳۶۵ می گوید: " حقوق هیات علمی دانشگاه ها در ابتدای استخدام فقط ۶ هزار ریال است " و توضیح می دهد: " از ابتدای انقلاب تا کنون نه تنها به حقوق استادان افزوده نشد بلکه بسیاری از مزایای آن ها نیز کاسته شده است. ... بسته بودن کتابخانه ها، لغو کلیه قراردادها و آیین نامه های تدریس علمی، استادان را از دست تنها انداخته های قبلی خود برای تدریس بهره بگیرد، نه خود پولی دار که مجلات جدیدی را از خارج آفریند و نه دانشگاه ها بودجه ای به این امر اختصاص داده اند. به این ترتیب اگر سطح آموزش بخاطر کمبود مطالعه و تحقیق تنزل پیدا کرده است جای تردید نیست هر استاد دومدرسی موظف است تا پایان عمرم چنان در حال فراگیری باشد. هم چنانکه برای زندگی بودن نفس کشیدن ضرورت دارد، لازم است حیات و زندگی شعور بودن یک استاد به معنای واقعی آن درس خواندن و بی گسری نوآوری های علمی است. دستگا هزیرا کس، بیلی کپی برای اینکه

امروزه دانشگاه های سرزمین مان ایران، از آنچه که برایشان می گذرد سخن ها دارند و در دلدل ها می شنیدیم. دانشگاه ها و دانشکده های که قبلاً استادان با عشق و علاقه بیشترین وقت و ساعات زندگانی شان را در کلاس، کتابخانه و آزمایشگاه ها می گذراندند امروزه آن حالت و عظمت خود را به کلی از دست داده و به صورت یک اداره درجه سوم درآمده و استادان نیز بعنوان یک کارمند و با یک اداره انجام وظیفه می کنند. استادان دانشگاه در جمهوری اسلامی با همه مسئولیت ها و وظایف خطیری که در آموزش و تربیت محصلین به عهده دارند با پدیده های هر فرد دیگری که وظایف شان اصولاً قابل مقایسه با کار دانشگاهیان نیست، برای گرفتن کوبین و دریافت ما یحتاج روزانه خود به تنهایی با پرونده و در صف با یستند و حیانا " دست خالی به منزلت با زکرت و حداقل آنکه حداقل توفیق در امر آموزشی و پژوهشی وجود یک خیال نسبتاً آرا موبدون دغدغه برای یک محقق است. ارتباط دانشگاه ها با موه سات صنعتی، تولیدی و یا دولتی که قبلاً تا حدی با استفاده از پژوهش های اساتید به فعالیت های خودنضج و گسترش می دادند به کلی قطع و پیرونده های به نتیجه رسیده در امر تحقیقات در بیایگانها خاک می خورد. مشکل مسکن بیشترین وقت هیات آموزشی دانشگاه ها را بخود مشغول داشته است. استاد بعد از ۲۵ سال سابقه خدمت و گذراندن دوره های عالی در کسارج مملکت نوشته بود که به اولیاء وزارت علوم و آموزش عالی پیشنهاد کرده است به جای پرداخت حقوق ما هیانه فقط یک مسکن دو اتاقه به او بدهند تا مخارج زندگی راز



بوستان شیخ اجل سعدی

نمونه فصیح ترین سخن پارسی

و با این بیت آغاز می شود: ز خاک آفریدت خداوند پاک پس ای بنده، افتادگی کن جو خاک و با این بیت های جاویدان که نمودار خاک نهادی و افتادگی و تواضع این خداوندگار سخن است باب مربوط به تواضع به پایان می آید: تو آنکه شوی پیش مردم عزیز که مرخوبیستن را نگیری بجز بزرگی که خود را به خردی شمرد به دنیا و عقبی بزرگی ببرد الا ای که برخاک ما بگذری به خاک عزیزان، که یادآوری: که گر خاک شمسعدی، او را چه غم! که در زندگی، خاک بوده است هم به بیچارگی تن فرا خاک داد و گر گرد عالم برآمد جواد *** بسی بر نیاید که خاکش خورد دگر باره بادش به عالم ببرد مگر نا گلستان معنی شگفت بر او هیچ بابل چنین خوش نگفت (= آوا زخواند) عجب گر بمیرد چنین بانگ که بر استخوانش نسر وید گلی

نه در اسب و میدا نوجوگان و گوی تو، با دشمن نفس همخانهای چه درینو پیکار بیگانه ای عنان باز بیجان نفس از حرام به مردی ز رستم گذشتند و سام تو، خود را جو کودک ادب کن به چوب به گرزگران مغز مردم مکسوب وجود تو، شهری است پرنیک و بد تو: سلطان، دستور دانا: خرد رضا و وزع (= پرهیزگاری) نیکمان خرد هوی و هوس: رهزن و کیسه پر چون سلطان عنایت کند با بد آن کجا ما که آسایش بخسردان؟ تو را شهوت و کین و حرص و حسد جوخون در درگانند و جان در جسد رئیسی که دشمن سیاست نکرد هم از دست دشمن ریاست نکرد نخواهم در این نوع گفتن بسی که حرفی بس، ارکان بندد کسی!

به خاکستری روی درهم کشم؟ داستان مردی پا رسا که شبانگاه مردی بریط (= نوعی ساز) خود را بر سر او شکست: یکی بریطی در بغل داشت، مست به شب در سرپا رایی شکست جو روز آمد، آن نیکمرد سلیم بر سنگدل برد یک مشت سیم که دوشنبه معذور بودی و مست تو را و مرا، بریط و سر شکست مرا به شد آن زخم و برخاست بیم تو را به نخواهد شد، الابهیم!

این سخنان را با تعبیر و تشریحی که شیخ بزرگوار، در مقدمه باب هفتم (در عالم تربیت) از وجود آدمی کرده است به پایان می آوریم و سپس تقاضای راکه خود او و هفت قرن پیش از خوانندگان آثار خود کرده و با خاکساری و تواضعی بی پایان، عاقبت کار آدمی را، هر چه بزرگ و نا مهربان شده با طریقی آورده است از زبان خود و تکرار می کنیم: سخن در صلاح است و تدبیر و خوبی

با بچهارم بوستان سعدی در تواضع پرداخته شده است

نامه‌ها و نظرها

حاج تمام با قسمتی از نامه‌ها و نوشته‌های خوانندگان گرامی فقط برای منعکس کردن نظریات و عقاید و سردت‌های شخصی نویسندگان نامه‌هاست و لزوماً به معنای موافقت و هم‌راستی ارگان مرکزی نیست. مقابله با مفاد همه این نوشته‌ها نیست. از نویسندگان نامه‌ها تقاضا می‌کنیم نام و نشان خود را ذکر کنند و در صورتیکه نخواهند نامشان چاپ شود با آرزوی خیر نامشان محفوظ بماند. افزون بر این، از چاپ نامه‌هایی که در آن‌ها نسبت به اشخاص و گروه‌ها هتک حرمت شود و یا عنایت بزرگواری قلم ملحوظ نگردد، معذوریم. انتخاب عنوان نامه‌ها از ماست.

آقای دکتر محجوب

حبذا و هزار آفرین

بعد از دو ماه اقامت در تهران به اروپا بازگشته‌ام و از جانب دوستان بسیاری مأموریت دارم مرا تهنیت‌های بسیار و آرزوهای بسیار بفرستند. بر نامه‌های ادبی و فرهنگی "دریای نا پیدا گرانسه" ادب پارسی که به‌طور هفتگی از اردیوایران پخش می‌شود، اشعه گرمی بخشی است که از برای مرزبهدرون زندان سردوسیاه جمهوری اسلامی می‌تابد. در روز وساعت پخش، دوستان دور را دیو جمع میشوند و با علاقه سخنان گرم شما را می‌شنوند و ضبط می‌کنند و در راه آنچه شنیده اند بحث می‌کنند. شاید خود شما هم نتوانید حدس بزنید که در این دوران فرهنگ کشتی و فرهنگ سوزی چه خدمت بزرگی به جوانان ایران می‌کنید. من معمولاً مقالات فرهنگی شما را هم که در قیام ایران چاپ می‌شود فتوکپی می‌کنم و برای یکی از دوستان می‌فرستم. در این سفر دیدم که این فتوکپی‌ها را هم دست به دست می‌گردانند. اما مطلبی را که می‌خواهم با شما در میان بگذارم بخصوص مربوط به همین مقالات شما در قیام ایران است که عمدتاً "برای آشنا ساختن ایران با اروپا و اروپا با ایران"

فکر کردم این اصلاً پنج کا میون را هم پر نمی‌کند. از یک رفیق کا میون دارچونگی را پرسیدم گفت: این‌ها حتماً "بسه" تعدادی که گفته اند کا میون را خواهند انداخت، منتها کا میون ۲۰۰۰ تنی که هر کدام حدود ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ کیلو را رایکسرها از رشت به بیپه می‌برند. در حالی که کرایه رفت و برگشت را برای ظرفیت کا مل کا میون دریا زگشت به آنها می‌پردازند. این کا میوندار می‌گفت: آخرین دفعه‌ای که برای جبهه با رزدم دو تا منبع آب پانصد لیتری و چند کیسه آرد با ردا شتم. در این بحبوحه کساد، می‌بینی که در آمد مدیدی نیست!

امضاء محفوظ

پاسخی به پرسش

"کدام ناراضی عمومی"

در رابطه با بخشی از کتاب مصدق و نهضت ملی ایران نوشته آقای فواد روحانی که در شماره مورخه ۱۶ مرداد ۱۳۶۵ روزنامه قیام ایران درج شده و پرسش آقای پزشک زاد در شماره ۱۶۵ همان روزنامه تحت عنوان "کدام ناراضی عمومی"، نگارنده خاطراتی دارد که آگاهی بر آنها ممکن است مورد استفاده واقع شود. لازم به تذکر است که نگارنده از معتقدین به وطن پرستی دکتر مصدق می‌باشد و او را سیاستمداری لایق و شایسته می‌شناسد. لذا بحثی که در این نوشته زنا رضائی شده دلیل بر انتقاد نیست چون در اجرای امر خطیری مانند ملی کردن صنعت نفت ایجا دنا رضائی اجتناب ناپذیر بوده است.

آقای روحانی در بخش یا دنده، بحران اقتصادی زمان صدرت دکتر مصدق را یکی از علل ناراضی عمومی ذکر کرده‌اند و آقای پزشک زاد و هوجبال بحران اقتصادی را از ناحیه مخالفان دولت دانسته وجود ناراضی عمومی را با اتکاء به خاطرات روشن خود تکذیب نموده‌اند. واقعیت اینست که بحران اقتصادی آن تا ریخ بر اثر تشویق حل مسئله نفت بوجود آمد. خزانه خالی بود، تعهدات دولت، حقوق کارمندان و هزینه‌های مستمر به موقع پرداخت نمی‌شد. مخارج تشکیلات نفت نیز با رستگین دیگری بر دوش دولت بود. این‌ها مجموعاً "گردش پول را در بار زار کرده" در نتیجه عده‌ای راناراضی نموده‌بود. اما ناراضی عمومی نداشت چرا که با زرگانی و کسب (مادرات - واردات) به شرحی که در پائین نوشته می‌شود در وضع نسبتاً خوبی جریان داشت بخصوص افزایش صادرات که تا حدی موجب گردش پول شد و از ناراضی‌ها کاست.

در آن تاریخ سیاست اقتصادی دولت بر اساس توازن بازرگانی خارجی (واردات مقابل صادرات بدون نفت) تنظیم شده بود. هر ما درکننده می‌توانست معادل ارزش حاصله از فروش صادره خود را کالای خارجی وارد کشور کند یا حق وارداتی خود را به دیگری واگذارند. برای این مقدرات موجب ترویج خرید و فروش حق وارداتی (گواهی صدور) و با نتیجه ترقی بهای آن در بار زار شد چنانکه عده دیگری بسه

ما درکنندگان حرفه‌ای پیوستند و بصورت کالاهائی از قبیل جو، برنج و داروهای گیاهی مانند گل‌گاوزبان، پرسیاوشان، ریشه شیرین بیان، تخم کشنیز حتمی خاکشیر و از این نوع پیدا ختنند و از فروش گواهی صدور آنها که بعضاً "هم‌زایا" برای ورود کالای لوکس و غیر مجاز داشت استفاده نمودند.

واردات نیز چنانچه مقرر بود با تهیه ارز آزاد (نرخ رسمی ارز در آن تاریخ دقیقاً) بخاطر منبت شایده حدود ۵۳ ریال برای هر دلار بود) و خرید حق وارداتی (گواهی صدور) که روی هم هر دلار از ۹۰ ریال به بالا حتی گاهی به ۱۲۰ و ۱۲۵ ریال هم می‌رسید. اما مدد داشت و این بود وضع اقتصادی کشور که در سال‌های زما صداری دکتر مصدق بخاطر نگارنده مانده است.

ع. ک. م. (امریکا) شهریور ۶۵

هیچ علائقی

جریده شریفه قیام ایران، در شماره مورخ ۱۸ سپتامبر ۸۶ قیام ایران مقاله محققانای زیر عنوان "جنگ تا کی؟" خواندم که نویسنده محترم آن با ستنا دقرا شن و شواهد متقن نشان داده بود که جنگ ایران و عراق یک جنگ ایدئولوژیک است و از برخورد نظریه حکومت فقها و وجدانی مذهب از حکومت سرچشمه می‌گیرد. بنده می‌خواستم در تاء بید این نظریه مدرک دیگری اشاره کنم.

در جلسه دوم کتاب "نهضت امام خمینی" تاء لیب سید حمید روحانی، رئیس کنونی مرکز اسناد جمهوری اسلامی، یک گزارش خیلی محرمانه ساواک عیناً "کلیشه" شده است که متن آن را در زیر نقل می‌کنم:

خیلی محرمانه

از شمعان به فروزان شما گزارش ۴۱۴ تاریخ گزارش ۴۸/۷/۷ منبع: ۶۰۰۱۵ منشاء: یکی از نزدیکان خمینی موضوع: آیت الله خمینی آیت الله خمینی طی یک ماه اخیر به کسانی که با وی ملاقات می‌نمایند و پیرامون وضع دولت یعنی با وی مذاکره و سؤالاتی درباره حزب بعثت از او می‌نمایند چنین پاسخ می‌دهد که باید با کافران جنگید و بعضی‌ها هم جزو کافران هستند. ضمناً خمینی به دونفر از طرفداران خود که چندی قبل از ایران به عراق آمده بودند ضمن مذاکره درباره مقایسه وضع حکومت ایران با دولت بعثتی عراق اظهار نموده که در مقایسه بعثی‌ها با ایداد دولت ایران پشتیبانی نمود.

پس از صدور و انتشار فتاوی آیت الله حکیم که طی آن یعنی از جزو کافران قلمداد شده اند بعضی از مراجع و روحانیون نیز بعضی‌ها را جزو کافران و دشمنان دین مبین اسلام می‌دانند. (در گزارش درج شد در پرونده سید روح الله خمینی بایگانی شود)

امضاء لایقره

ملاحظه کنید با علم و اطلاعی که از عظمت و وسعت کینه خمینی نسبت به محمد رضا شاه و دولت هویدا از یک طرف و "هیچ علائقی" او به ایران از طرف دیگر، داریم، وقتی می‌بینیم که به طرفداران خود می‌گوید "در مقابل بعثی‌ها باید از دولت ایران پشتیبانی نمود"، می‌توانیم به وسعت دریای ناپیدا کرانه خصومت پیرمرد با حزب بعثت بی‌بیریم و از پایان یافتن جنگ تا وقتی این حضرت امام نفس در سینه دارد، قطع امید کنیم.

با احترام - رضا محمودی

روز اعزام

در رشت روی با رجه‌های سفید زرد که تمام عرض خیابان‌ها را پر می‌کند "کربلای ۷" جای مخصوصی داشت که "روز عزیمت دا و طلبان جنگ حق علیه باطل، بیستم مرداد ماه" زیر آن نوشته شده بود و از مردم می‌خواست "صوفی سلام" را هر چه بیشتر تقویت کنند. نماینده خمینی در رشت، احسان بخش، هم با رهسار را دیو اعلام کرده بیست هزار دا و طلب روز بیستم مرداد ماه به جبهه خواهد رفت. اول صبح روز بیستم به میدان شهرداری رفتیم: در حدود سیم‌دتن پاسدار، همچون قشون شکست خورده، عرق ریزان و ژولیده، بطور پراکنده گرد آمده بودند. شاید صد و پنجاه تن دیگر هم، که لباس‌های تقریباً "تو پوشیده بودند، در میان جمع پاسداران دیده می‌شدند. نوعی دسته‌موزیک جنگی هم، مرکب از ده دوازده نفر، در پیشاپیش یعنی نزدیک ترازمه به برج شهرداری رشت، جای گرفته بود. از بلندگو صدای نعره‌های گوناگون، برای تشویق رزمندگان "کفرستیز" شنیده می‌شد. روی پله‌های پست‌خانه، مشرف به همیسن میدان، قیافه جوان آشنائی در لباس رزم نظرم را جلب کرد. پسر هماغه ما در مرحله پادای الله بود. بعد از سلام و احوالپرسی

برای من توضیح داد که برای چهارمین بار شرکت می‌کند. پیش از حرکت از رشت، مقداری پول و آذوقه دریافت می‌کند که به مادرش می‌سپارد و بعد، برای تهییج مردم شهرهای بین راه، به هر آبادی که رسیدند "جنگ جنگ تا پیروزی" باید تظا هراتی راه بیندا زنده‌ها یا شئی دریافت کنند. از همدان که گذشتند، کم‌کم فرا شروع می‌شود و آخرین "دا و طلبان با شعور" پیش از آنکه شب اول را در پشت جبهه بگذرانند عقب‌گرد می‌کنند. به گفته این جوان، آخرین بار، یعنی در "کربلای ۶" از قریب به ۵۰۰۰ دا و طلب که در بیش از ۳۵۰ اتوبوس ضبط شده شرکت‌های مسافری، از رشت حرکت کرده بودند، چیزی در حدود ۲۳۰ نفر به اولین منزل پشت جبهه رسیدند و باقی همسراه غنائمی که سخاوتمندان به ایشان رسیده بود، حب جیم را به شربت شهادت ترجیح داده بودند.

شیخ احسان بخش اعلام کرده بود که ۵۰۰ کا میون، در همان روز، هدایای مردم گیلان را به جبهه خواهد برد. وقتی شب قبل از ۲۰ مرداد، این شیخ فهرست هدایای مردم را از اردیوای اعلام کرد: "۲۸۰ تخته پتو، ۱۴ تن آرد، ۱۷ عدد آفتابسه ۰۰۰"

گزارش هسته‌های اطلاعاتی از ایران

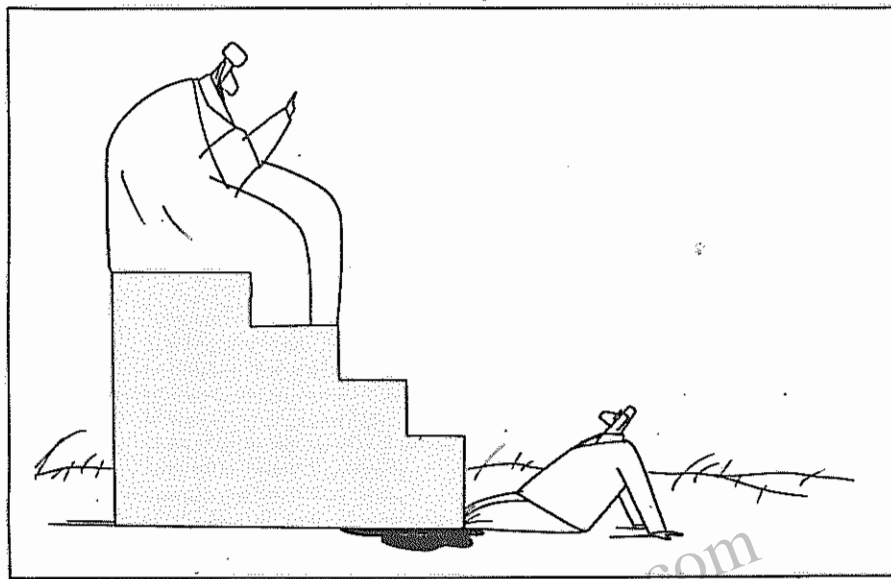
روند روبه رشد بحران اقتصادی

در ادامه فشار اقتصادی که روزبه‌روز سنگین‌تر می‌شود، مثل نبود وگرنه مواد غذایی (قطع شدن توزیع کمره، قطع شدن سهمی شیربیمارستان‌ها، نایاب شدن گوشت، گران شدن مرغ، کمیاب و گران شدن برنج، طولانی‌تر شدن صف‌های نان) مشکلات اقتصادی به‌شماره می‌آید. آستانه‌ی با زدن مدار، یکی از آشکارترین مواریدن بود دفتر و قلم و اصولاً نوشتن افزایش ریپورتاژ است. دربار از رسایا یک دفترچه صدبرگ به ۱۰۰ تومان به فروش می‌رسد (در نتیجه عجیب نیست اگر در مملکت کتاب چاپ نمی‌شود، چون اگر حتی سفید به‌با زرفرستاده شود گرانتر فروخته خواهد شد) در مورد نوشتن افزایش رپچه‌های مدرسه بنظر می‌رسد که دولت راه‌حلی یافته است. قرار بود تعدادی دفتر و کتاب و مواد، و مدار یک کتب و خودکار مجانی در اختیار رپچه‌ها گذاشته شود. نه به‌اندازه کافی و برای تمام طول سال، بلکه همینقدر که بتوانند شلث اول سال را بگذرانند. اما در عمل حتی از رپچه‌های خیلی کوچک دبستان‌های نیز به ۸۰ تا ۹۰ تومان گرفتند و تعدادی کتابچه کم‌برگ و خودکار در اختیارشان قرار دادند که به زحمت تا پایان شلث کفاف خواهد داد. این فشار اقتصادی بهترین صورتش در مورد کتابسیرانی پیش آمد. هفته گذشته دولت رسایا ۱۱۰ علام کرد که سوبسید تا کسبی‌ها را که زما به‌التفاوت مربوط به گران شدن بیای بنزین به تا کسبی‌ها را می‌پرداخت قطع می‌کند. با این تصمیم تا کسبی‌ها سهمیه ماهانه ۲۱۰۰ تومان را که در این اواخر چندان به‌دلیل بی‌پولی دولت عقب می‌افتاد از دست دادند. دولت در مقابل این اجازت‌ها به تا کسبی‌ها داد که ورودی را از ۱۰ ریال به ۱۵ ریال بالا ببرند. مدت‌هاست که تا کسبی‌ها تا کسبی‌ها مقررانه نمی‌اندازند. با افزایش بیای بیای ورودی بگو مگو دعوا و کتک کاری بین مسافر و فروداننده‌های تاکسی عمومیت پیدا کرده. راننده‌های تاکسی با تصمیم دولت حالا درست است که ما سهمیه سوبسید خودمان را درمی‌آوریم ولی مجبوریم برای هر پنج ریال اضافه دعوا با مسافر و فروداننده‌های تاکسی این افزایش، همچنان که قبلاً پیش‌بینی بود، تمام موبایل و خدمات مربوط به اتومبیل‌بین ۲۰ تا ۳۰ تومان اضافه شده است. از روغن ماشین گرفته تا لنت ترمز تا تعمیرات، تا شیر این افزایش روی مواد اصلی غذایی نیز مشهود بوده است. چیزی که ظاهراً مربوط به این مسئله به‌نظر می‌رسد این روزها همه چشم به راه جیره‌بندی شدن بنزین هستند. در شهرستان‌ها بنزین بطنور مرتب نمی‌رسد و موبایل‌ها در صف‌های چند کیلومتری گاه تا ۲۴ ساعت در نوبت می‌ایستند بلکه بنزین گران بیاید. در تهران نیز طبیعتاً پرسشنامه‌های میزبان فروش جایگاه‌های فروش بنزین را برآورده اند و قرار است نیمی از این میزان فروش به جایگاه‌ها توزیع شود. ظاهراً "سرکننده زیر لخت" است.

زندانیان بی‌هزینه

چند هفته‌ی گذرد از روزی که ججتا اسلام انصاری، رئیس سازمان زندان‌ها، اعلام کرد که با پارمیانی منتظری بالاخره خمینی را بی‌سود کرده است که "زندانیان زن و کسانیکه آزادیشان مضر نیست" مشمول عفوشوند. پس از اعلام این خبر در روزهای پایانی شهریور، تعداد دکتری زندانیان از زندان‌های جمهوری اسلامی به بیرون فرستاده شدند. اما واقعیت اینست که این زندانیان آزاد نشده‌اند. فشار اقتصادی ناشی از یک بحران یوگامت بار که دولت را در قلسب ورشکستگی جای داده و در گروگول شدن موقعیت رژیم در جامعه، علل گشودن در زندان‌ها بوده. زندانیان پیش‌خانواده‌ها یا نشان برگشته‌اند، اما مجازیمه کار نیستند (اگر البته، کاری یافت شود) نه حتی فرار رندونه‌ها "آزاد هستند، فعلاً" مخارج آن‌ها را

اوین، دوصف طولانی، یکی صف زنان و دیگری صف مردان، تشکیل می‌شود که همان زندانیان گروهکی با اصطلاح آزاد شده‌اند. آن‌ها آمده اند تا خود را به مسئولان معرفی کنند. جمهوری اسلامی در واقع با یک تیر و نشان زده است: هم مدعی شده که زندانیان را آزاد کرده، وهم از شکرهای نگهبانان آن‌ها خودشان را خلاص کرده است. در واقع همه این‌ها نما بگر میزبان فشاری است که زبیرون بر رژیم وارد می‌آید. اگر در گذشته رژیم حتی نسبت به حقوق بشر بی‌اعتنا نبود و آن را به مسخره می‌گرفت، اکنون که در داخل با بحران فزاینده روبروست، نرم‌تر و پذیرا تر شده است.



گزارش هسته‌های اطلاعاتی از ایران

موقعیت پزشکان در ایران

در باره اعتبار پزشکان و درگیری آن‌ها با مقامات جمهوری اسلامی، طبیعتاً این واژه‌ها گفت "صحبت برویاخت نیست" چون بین اطباء و جمهوری اسلامی تفاوت‌هایی در شکل می‌گیرد که روزبه‌روز برابری آن افزوده می‌شود. در نتیجه حالا گروهی این موضوع خوب کار بشود، می‌توانند پدیده‌های جالب‌تری را موشرف‌تری داشته‌باشند. آخرین اتفاقی که افتاده و سوء تفاهم بزرگی را برانگیخته سهمیه خدمت سالنی یک ماهه درجبهه است. هرطبیعی موظف است سالی یک ماه را درجبهه خدمت کند. این بخودی خود مریدپرخته شده‌ی بود پزشکانی که به خدمت یک ماهه فراخوانده می‌شدند می‌توانستند گاه تا ریخ حضور و محل خدمت را نیز حتی تعیین کنند. این محل‌ها غالباً "در شهرهای پشت‌جبهه بود. با انحلال نظام پزشکی، آنجا که هر نظام پزشکی هوای اطباء را نگاه خواهد داشت، سپاه پاسداران مستقیماً برنامه ریزی در زمینه حضور پزشکان درجبهه را برعهده گرفت. در طول چند هفته‌ی اخیر، با بالا گرفتن شعارهای مربوط به جنگ، سپاه پاسداران به‌خشن‌ترین وجهی کوشیده است که پزشکان را به جبهه فراخواند. کم‌نیستند طبیبانی که برای آن‌ها احضار ریه رسیده است که آن‌ها را موظف به حضور در یک تا ریخ معین در جبهه کرده است. مواردی دیده شده است که حتی این احضار ریه چند روز پیش به دست پزشکان رسیده است. موردی دیده شده که طبیعتاً در معرض گاز شیمیایی قرار گرفته بود و خود می‌بایست کنار گذاشته می‌شد فقط کنار گذاشته نشد بلکه پاسداران با جیب به‌سرا غش رفتند و از منزل او را سوار کرده و به جبهه برده‌اند. نتیجه‌ی خدمت سپاه پاسداران در مرخصیت درجبهه این شد که امکان ساخت و پاخت را از زمین برد و حضور دلخواهی پزشکان را به حضور اجباری تبدیل کرده که در آن عدم حضور و استنکاف از دستور، آن‌ها را مستقیماً و در کمترین مدت فرصتی به دادگاه می‌کشاند. برغم خشونت ظاهری پاسداران مواردی که پزشکان از حضور درجبهه‌ها سر با زده‌اند زیاد بوده است. در این دادگاه‌ها حقوق طبابت از پزشکان سلب می‌شود. پزشکانی بوده‌اند که ترجیح داده‌اند تا به جبهه

نروند و بپه همه چیز را به تن بمانند. مخوف بودن موقعیت جنگ پزشکان را در وضعیت دشواری قرار داده است. به خلاف گذشته دیگر پزشکان به شهرهای پشت‌جبهه برده نمی‌شوند، بلکه آن‌ها را مستقیماً در بیمارستان‌های محارثی به کارخواهند گرفت. تا زه‌اگر جنگ دامنه‌ی وسیع‌تری بگیرد، حتی شهرهای پشت‌جبهه هم در امنیت نخواهند بود. همه این‌ها نشان می‌دهد که امنیت جانی مهم‌ترین مسأله برای پزشکان است. اگر دامنه‌ی مخالفت پزشکان و استنکاف آن‌ها از حضور درجبهه بالا بگیرد، سلب حق طبابت هم به نفع جمهوری اسلامی نخواهد بود. کمیود پزشک هم اکنون نیز بسیار رجدی است.

اکنون کلاماً آنکار است که جمهوری اسلامی موقعیت جامعه‌ای را که بوجود آورده و در آن مسئله پزشک و درمان یکی از مسائل اساسی است بخوبی دریا فته. امسال بیش از چهل هزار دانشجو سوسی رشته‌ی پزشکی به کلاس‌های فرستاده خواهند شد که نه‌ا ز لحاظ آستانه‌ی زلحاظ سالیانه آموزش مجهز هستند. از این رقم افسانه‌ای بیست و پنج هزار نفر توسط سپاه پاسداران گزیده شده‌اند. در نتیجه از هر کلاس چهل نفری مستقیماً بیست و پنج نفرشان کسانیکه هستند که بدون رعایت هیچ گونه معیار (نه استعداد، نه دانش، نه علاقه) برای این رشته انتخاب شده‌اند. اسما "آن‌ها را از میان خانواده‌های سرا، معلولین، شهدا، و مفقودین انتخاب کرده‌اند. یا آن‌ها که اسما "با سادار هستند. در نتیجه این عده در کنار ربا زده نفرات دانشجویی خواهند نشست که از هفتاد تا صد نفر در گذشته اند و برای استعدادهای لازم برای شرکت در این کلاس‌ها عزا گرفته‌اند. دانشگاه‌ها آزاد که از حمایت‌های رفینجانی برخوردار است بیشترین تعداد دانشجوران بزرگ‌گرفته است چون از بابت شهریه کلاسی که دریا فت می‌کند قادر خواهد بود که طلبه‌ها یا نشان را میدان بدهند. دانشگاه‌ها آزاد که خود فاقد هرگونه امکانات آموزشی است، شاکردان‌ها را به‌دانشگاه‌های پزشکی تهران و شهرستان‌ها حواله داده است. اما دانشگاه‌های پزشکی از قبیل آمل

همین چند هفته پیش بود که رژیم عاقبت زیر فشار تسلیم شد و پذیرفت که نما بیندگان صلیب سرخ به ایران سفر کنند و موقعیت اسرای جنگی را در ایران مورد ملاحظه قرار دهند. با این همه همچنان زندگی خصوصی و فردی افراد و امنیت قضایی آن‌ها در معرض تهاجمات خشونت‌بار قرار دارد. هنوز به‌طور مرتب به خانه‌ی افراد، و بیشتر جوانان می‌ریزند و بدون هیچ‌گونه توضیحی افراد را با خود می‌برند. این اتفاقات برای آنکه بیشتر ضربه روحی را وارد و دروغا لباً در نیمه‌های شب رخ می‌دهد تا حس ترس و نگرانی را شدت بخشد و به افراد بی‌گناهان که سوء ظن نسبت به آن‌ها پایدان پذیر و همیشه برقرار است و هر لحظه می‌توانند آن‌ها را در معرض تهدید قرار دهند. البته هرگونه اعتراضی با ضرب و شتم همسراه خواهد بود.

آخرین خبرها رق‌العاده تشکیل تعداد کثیری بیمارستان محارثی در مناطق جنگی است. برای راه‌اندازی این بیمارستان‌ها، علاوه بر پزشکانی که طبیعتاً "طرح یکماهه در سال" برده می‌شوند، تعداد دکتری نیز شامل عمل، نرس معمولی و بطور کلی تعداد دبیشما می‌گردد. بیمارستان‌ها را به این مناطق گسیل کرده‌اند. این حرکت، همزمان است با کاروان‌های بسیج از مدرسه و کارخانه و دیگر جایها، شایعاتی که در حوزه‌های وابسته به سپاه پاسداران وجود دارد تعداد افراد متمرکز درجبهه‌ها را تا به ۳ میلیون نفر برآورد می‌کند، رقمی که با ورکردن آن دشوار است.

دانشجویان امتناع ورزیده‌اند. مثلاً در دانشگاه پزشکی تبریز استادان و مسئولان از سپردن وسایل و امکانات آموزشی به این دانشجویان خودداری کرده‌اند و توصیه‌های مقامات بالا نیز به‌جائی نبرده است. کسانیکه در حرفه‌ی پزشکی به‌ویژه در قسمت آموزشی، فعالیت‌ها قب این اقدام سنجدیه را برای جامعه ایران مهلک تلقی می‌کنند. آن‌ها می‌گویند در سال‌های آتی پزشکانی تربیت خواهد شد که فقط ما حساب اسم و رسم پزشکی هستند، اما کمترین دانش و تجربه‌ی در این فن شریف ندارند.

با انحلال نظام پزشکی اکنون سر نوشت پزشکانی که متهم به تخلف از قوانین پزشکی هستند می‌شوند یا از جانب بیمارستان‌ها یا از جانب قاصور متهم می‌شوند. به دست پاسداران و آخوندها افتاده است. یک مورد نگرانی آوری برای پزشکان به‌تازگی رخ داده است. یک رزیدنت پزشکی که در بیمارستان ساسی کار می‌کرده است در دو هفته‌ی اخیر در زندان قاصور زندانی شده است، چون در مدت مسئولیت او یکی از بیماران بدحال جان سپرده است. خانواده بیمار طی شکایتی رزیدنت را متهم به کوتاهی در مسئولیت کرده‌اند. در گذشته به این شکایت و شکایت‌های نظیر این نظام پزشکی رسیدگی می‌کرد، اما در غیاب نظام پزشکی اکنون سروکار اطباء با سپاه پاسداران افتاده است. به این مورد سپاه نیز به‌عنوان قتل غیر عمد روبرو شده است. پس از این واقعه پزشکانی که نسبت به سر نوشت خود بیمناک شده‌اند آغا ز به تحقیق کرده‌اند. نتیجه تحقیقات اینست که دست‌چنین پزشکی با بیست مدت سه ماه در زندان بماند، سید هزار تومان خسارت بپردازد و در عین حال قصاص شود. این تمشیل خوبی برای به نمایش درآوردن موقعیت طبیبان در ایران اسلامی است. طبیعتاً است که هیچ طبیعتی حاضر نیست خودش را به خطر بیندازد و بیماران بدحال و مشرف به مرگ را معالجه کند. هیچ بیمارستانی نیز بیمه‌کاری را که وضع وخیم باشد، نمی‌پذیرد. در نتیجه حس‌راه‌فت‌انسانی که هنوز موجود بود و می‌بایست روپزشک حکومت می‌کرد با عمل جمهوری اسلامی از میان رفت و تنها پول حاکم بر این روابط گشته است.

در این لحظه که این گزارش نوشته می‌شود بیمارستان‌ها همه در آماده باش کامل بسر می‌برند، هیچ بیمارستانی مجاز به پذیرش مریض نیست و همه تخت‌ها بایده برای مجروحان احتمالی حمله‌آمده و خالی باشند. فقط اورژانس‌ها مجازیمه قبول بیمار هستند.

مبارک در جنگ با

ازدهای هفت سر

بقیه از صفحه ۵

معمولا" شرایطی تحمل ناپذیر دارند. با این همه، برغم نیرو گرفتن یک موج اسلامی که از این شرایط دشوار اقتصادی سود می برد، رژیم مصر بر مخالفان چندانی سخت نمی گیرد و از دستگیری همسایه دسته جمعی و اختناق خبری نیست. در میان مخالفان حکومت، آن ها که جنبه "قانونی" دارند، نشریات نسبتا "آزاد" دارند و از انتقاد دگوتا می نمی کنند.

اما بسیاری از ناظران برای عقیده اند که وضعیت مصر با توجه به خواست های ایالات متحده آمریکا که او مدهنده اصلی به مصر است، سخت آسیب پذیر می نماید. به عقیده آگهان مذاکرات مبارک با نخست وزیر اسرائیل که در اوایل سپتامبر گذشته در اسکندریه آغاز شد، به یک انحراف کلی در خط مشی مصر نسبت به اسرائیل انجامید - این خط مشی پنج سال پیش توسط نخست وزیر مصر اتخاذ شده بود و بنا بر آن هیچ ملاقاتی میان نخست وزیران اسرائیل با مقامات مصری نمی بایست صورت بگیرد.

این مذاکرات حتی اگر با اعتراض واقعی از سوی جهان عرب روبرو نشود، قابلیت مصر را در اجرای نقش میانجی گری اش کاهش خواهد داد. مصر در نقش میانجی توانسته بود در جهت حل و فصل مسئله اعراب و اسرائیل اقداماتی انجام دهد و اردن و سازمان آزادیبخش فلسطین را به هم نزدیک سازد.

با وجود این، مصر که بی سروصدا توانسته است دوباره خود را در قلب خانواده اعراب جای دهد، به ویژه به سبب تغییر مشی سازمان آزادی بخش فلسطین، همچنان از پشتیبانی پنهانی سلاطین نفتی خلیج فارس سود می برد، چرا که سلاطین نفتی خلیج فارس به خاطر جنگ افزارهای درخور ملاحظه ای که مصر به عراق تحویل می دهد از او بسیار سگزارند.

بهر تقدیر، پوزیدنت مبارک در سال آخر ریاست جمهوری خود هنوز چیزی در باره آنچه برای آینده در سر دارد، و به ویژه درباره اینکه آیا قصد دارد برای بار دوم رئیس جمهوری شود، ابراز نکرده است.

درستکاری اش نه بردستان، که به دشمنانش نیز پوشیده نیست، پوزیدنت سادات از او به سبب آنکه پس از شکست سال ۱۹۶۷، نیروی هوایی مصر را در مدت کوتاهی از نوسروسان داد و به مصر فرصت بخشید که در جنگ اکتبر ۱۹۷۳، به آن عملیات خارق العاده دست زند، قدر دانی کرد. آیا این کهنه سرباز که به کشتی گیران می مانند به وظیفه خطیر خود عمل خواهد کرد یا ترجیح خواهد داد که شانه ز زیر بار آن خالی کند؟

در ماه های آینده پاسخ این سؤال را خواهیم دانست. مقام ریاست جمهوری همچنان بی مدعی باقی مانده است و این خود نشان می دهد که دست کم در ظاهر هیچ جانشینی برای او وجود ندارد.

خبرگزاری فرانسه - ۱۰ اکتبر ۱۹۸۶

وینتام مفلس و جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه ۱

خبر مندرج در روزنامه های تهران در این باب چیزی نیا مده است. ایران می تواند نفت به وینتام بدهد. می تواند ارزهای محکم حاصل از فروش نفت به وینتام بدهد. ولی وینتام چه دار که به ایران بدهد؟ وینتام می که دهها نش به دست این کشور و آن کشور دوخته است بلکه بتواند جمعیت خود را دست کم نیمه سیر کند، کدام نیازی ز رگانی ایران را می تواند بر آورد؟ روزنامه اتحاد از معاملة ۴۰۰ میلیون دلاری بین دو رژیم خبر می دهد. نیازی به خبر چاپ شده در روزنامه اتحاد چاپ ابوظبی نبود تا دریا بیم که وینتام از کدام راه می خواهد نفت واری را که از جمهوری اسلامی بدست می آورد جبران کند. اگر وینتام مواد خوراکی و کشاورزی و صنعتی ندارد به ایران بدهد، در عوض هنوز اسلحه اسقاط آمریکائی دارد.

مطابق خبر روزنامه، نامبرده حجم معاملة ۴۰۰ میلیون دلار است و شامل بمب افکن ها و تانک ها و موشک ها می گردد که از آمریکا در جنگ وینتام باقی مانده است. جدیدترین آنها مال سال ۱۹۷۵ است.

تاریخ خالی از لحظه های خنده آور نیست. یک روز نیروی هوایی ایران در جریان نوسازی تسلیحات هوایی خود، هواپیماهای اف-۵ خود را به رژیم سایگون فروخت و احتمالا" امروز همان هواپیماها را به چند بربر قیمت، و این بار از رژیم ها نوی، دوباره می خرد!

رژیم اسلامی به عنوان میراث خوار جنگ آمریکا در وینتام، رژیم در خورتا ملی است. رهبران، در یک پیمان خاص برای زائران حج به آنان توصیه می کند که در عربستان سعودی از خرید کالاهای آمریکا بی خودداری کنند. اداره گمرک فرودگاه مهرآباد هم خود شیرینی می کند و می گوید که حاضر نیست کالاهای ساخت آمریکا را ترخیص کند. و درست هم زمان با این توصیه ها و تصمیم ها نمایندگان جمهوری اسلامی با نمایندگان جمهوری سوسیالیستی وینتام برای خرید اسلحه اسقاط آمریکا می مذاکره می کنند و قرار داد می بندند.

آن هم برای چه کاری؟ برای دفاع از مرزها؟ برای جنگ با کفار؟ نه. بلکه برای جنگ با سرزمینی که دهه ها با ما همسایه بود و جنگی میان ما اتفاق نیفتاد. با همه "امدادهای غیبی" که برای خمینی در جنگ می رسد، سرانجام برای آن هیچ چیز مهم تر از رزخا رجی نیست. تا مدارات نفت وجود دارد، ارز هم وجود دارد، و تا بازاریا وجود دارد، اسلحه هم به جمهوری اسلامی می رسد، تا احق درجهان است مفلس و نامی مانند وینتام مفلسی است که احق خود را پیدا کرده است. و گرنه چگونه می توانست

درخواست اشتراک

بهای اشتراک: یک ساله ۲۴۰ فرانک فرانسه -

شش ماهه ۱۲۰ فرانک فرانسه -

دانشجویان نصف قیمت

این جانب (نام و نام خانوادگی به فارسی و به حروف لاتین)

نام خانوادگی :

Nom

Prénom

Adresse:

ما بلیغ نشریه قیام ایران را به مدت یک سال مبلغ ... فرانک فرانسه به حساب بانکی نشریه ... به حساب پستی نشریه ... تحویل رسید به ضمیمه ارسال می گردد.

تاریخ امضاء

شماره حساب پستی :

QYAM IRAN
C.C.P No: 2400118/E
PARIS

شماره حساب بانکی :

QYAM IRAN
Crédit du Nord
78, Rue de la Tour
75116 Paris
Compte No: 11624700200

توجه لازم

تمنا دارد تقاضای اشتراک را به آدرس قیام ایران ارسال فرمائید. نامه ها می که به آدرس حساب پستی یا بانکی فرستاده شود، بدست ما نمی رسد.

نشانی پستی شاخه های نهضت مقاومت ملی ایران در کشورهای مختلف دنیا

N.A.M.I.R.
Postfach 121007
8000 MUNCHEN 12
W. Germany
آلمان ندرال

N.A.M.I.R.
Postfach 523
1171 WIEN
AUSTRIA
اتریش

PO BOX 57278
WASHINGTON, D.C. 20037
U.S.A
آمریکا

N.A.M.I.R.
PO BOX 313
LONDON W 2-4 QX
ENGLAND
انگلستان

PO BOX 130
4600 TULLINGE
SWEDEN
سوئد

TDS - MO 85
117/118 MAKER CHAMBER (V)
NARIMAN POINT
BOMBAY 400021
INDIA
هند

NEHZAT
P.B. 246
3230 AE BRIELLE
HOLLAND
هلند

A. CH
APARTADO CORREOS 50432
MADRID SPAEN
اسپانیا

NAMIR
PB-1002
STN. B. WILLODALE ONT
M2K 2T6 CANADA
کانادا

A. R CASELLA
POSTALE 601
00187 ROMA
ITALIA
ایتالیا

P. O. Box 153
8043 Zurich
زوریخ

M.R.N.I.
Postfach 100393
5000 KÖLN 1
واحد شهر کلن

رژیم ها نوی از جالب ترین هاست: یک طرف، به نام اسلام، دلارهای نفتی گرانبها می پردازد، و طرف دیگر، به نام مبارزه با امپریالیسم، اسلحه اسقاط آمریکا می فروشد. و جنگ میان دو کشور مسلمان ادا مدها دارد...

بقیه از صفحه ۱

سفر بی ارز

می شود و متخلفان بدون هیچ ارفاقی تحت تعقیب قرار می گیرند. این افراد با جاسازی در چمدان ها و ساک های دستی و حتی در لباس خود اقدام به خروج این گونه اشیاء می کنند.

در جمهوری اسلامی مسافرت مردم به خارج با دست تهی آزاد است. در عوض ما سوران و وابستگان رژیم می توانند در خارج هتل های گران قیمت اقامت گزینند و شام و ناهار را صرف کنند که به پول رایج قلمروی ولایت فقیه، هزینه یک ماه اقامت یک مسافر عادی در خارج است.

سلاح های اسقاط آمریکا را که بیش از ده سال است در انبارها پخش خاک می خورد، به این سادگی آب کند؟

برای کشوری که در تنگنای اقتصادی چنین شدیدی قرار گرفته، ۴۰۰ میلیون دلار پول کمی نیست، اصلا" برای هیچ کشوری این، پول کمی نیست. این پول را وینتام می تواند به زخم خیلی کارها بزند. و دیگر کاری به این ندارد که اسلحه بدست آمده از آن سبب خواهد گردید که مسلمان شکم مسلمان را ببرد، مسلمان خانسه مسلمان را ویران کند و مسلمان ثروت ملی مسلمان را به باد دهد.

حیرت آور است که رژیم تهران به صورت های گوناگون به اقتصاد دور شکسته به سرخی کشورها کمک می کند، جز به اقتصاد ورشکسته خودش. سوریه، وینتام، نیکاراگوئه و جمهوری اسلامی ظاهرا "همه درجه به" به اصطلاح خدا مپریالیستی قرار دارند. ولی دلارهای امپریالیستی مهم ترین حلقه زنجیری است که این جبهه ها را همبسته نگا میدارد. در این میان گسترش مناسبات رژیم تهران و

نسخه انقلابی!

بقیه از صفحه ۱

سؤال این بود که زما ن انتقال بنیاد مهاجرین جنگی به وزارت کار چه تحولی درین سازمان صورت گرفت و چه قدمی به نفع مهاجران و آوارگان که به قول آقای وکیل در "سنگهای صبر و استقامت" زندگی می کنند برداشته شده است؟

بنیاد مهاجرین جنگ برای اساس قانون مصوب مجلس شورای اسلامی تأسیس شده است. اما بجای آنکه با تأسیس این بنیاد دردی از آوارگان و مهاجران دوا شود، خانه جمعی چپا و لگر که اداره بنیاد را برعهده دارند آلوده است. بر اثر سوءاستفاده های آشکار، چندبار مدیران بنیاد را عوض کردند و به مهاجرین وعده دادند که "مدیریت جدید" آشتی ها را سامان خواهد بخشید ولی همسریار مدیریت جدید هم به راه مدیریت قدیم رفت و گند فساد را لاتر گرفت تا آنکه سرانجام در سال ۱۳۶۴ حضرت امام اصلاح کار را به سرپنجه تدبیر و کیاست یکی از افراد مورد اعتماد خود یعنی آقای ابوالقاسم سرحدی زاده وزیر کار و امور اجتماعی جمهوری اسلامی سپرد.

آقای سرحدی زاده، چنانکه متن رسمی شرح حال وی حکایت دارد در سال ۱۳۴۲ هنگامی که دانش آموز دبیرستان بوده است به زندان می رود و در سال ۱۳۵۸ همزمان با پیروزی انقلاب شگوه مندا سلی از زندان بیرون می آید. چنین دارالعلمی او را یک کارشناس برجسته مسائل اقتصادی و اجتماعی با آرا و آراء است. به مدد شکارشناسی، آقای سرحدی زاده در همان مطالعات اولیه تشخیص داد مسئله اصلی مهاجرین جنگی، مسئله بیکاری است و قبل از هر چیز برای آن ها باید اشتغال ایجاد کرد. تا گفته پیدا است که از بیکاری چه مفاسدی میزاید و اشتغال، برعکس، چه مفاسدی را دفع می کند.

بر اساس این تفکر عالمانه، پانزده میلیارد ریال بمنظور ایجاد اشتغال برای مهاجران و آوارگان جنگی بر بودجه قبلی بنیاد که ۶۳ میلیارد ریال بود اضافه شود و اختیار وزارت کار قرار

گرفت. حال آنکه تدبیریک سال از الحاق بنیاد مهاجران جنگ به وزارت کار و تصویب طرح اشتغال مهاجران و بودجه آن می گذرد و نماینده مجلس شورای اسلامی، با احتیاط بسیار، بدون آنکه خواسته باشد پا روی دم دولت مورد اعتماد حضرت امام بگذارد، برای روشن شدن اذهان و مخصوصاً "برای آنکه" "ماکنان سنگر استقامت و صبر" مطمئن شوند کارها موافق مقصود پیش می رود، دربار ه نتایج حاصله از دولت سؤال کرده است.

وزیر کار را سخمی ده ده که با یک اقدام ابتکاری، دولت خدمتگزار توانسته است نه فقط مسئله بیکاری، که بطور همزمان، مسئله مسکن را هم به نفع مهاجرین جنگی حل کند. اومی گوید: "در زمین اشتغال، برنا مسکن ما بگونه ای بوده که خود بخود برای مهاجرین اشتغال ایجاد می کرده است. زمین هایی که به مهاجرین واگذار کردیم و اما مکاناتی که به آن ها برای ساختن مسکن دادیم این خود اشتغالی است که برای آن ها ایجاد شده است. همچنین موافقت های اصولی برای طرحهای قابل اجرا گرفته ایم که از جمله شامل صنایع گچ، آجر، کاشی میباشند. از طریق کمک های مردمی هم برای ایجاد اشتغال این عزیزان کارشده و برنامهای بنیاد مهاجرین در قالب بودجه مصوب بند ۳ تبصره ۱۳ چنانکه از خزانه پرداخت نمایند به موقع اجرا گذارده خواهد شد."

یکی از افسران بازنشسته نقل می کرد که زمانی من با درجه سرگردی در یک واحد نظامی ماء مور خدمت بودم. روزی فرمانده واحد که سرهنگی بود مرا به دفترش حاضر کرد و گفت وزارت جنگ شش هزار تومان اعتبار برای مرمت و سفید کاری اتاق های پادگان در نظر گرفته است. اتفاقاً من خودم این روزها دست و بالم را در کاری بند کرده ام و به هشت هزار تومان احتیاج دارم. شش هزار تومان را خدا رسانیده است و طرحی ریخته ام که دو هزار تومان دیگر را هم

از بخل همین بنا می در آورم! من مبهوت ماندم و گفتم چطور ممکن است هم بنا می انجام شود. هم یک دینار خرج نشود و هم دو هزار تومان از بخل آن در آید؟

گفت آن را بگذار برعهده من. تو فقط هر کاری که می گویم بکن. بعد دستوراتی که به بهانه های مرخصی آخر هفته سر بازان را لغو کنیم و سر بازان را در سر بازان نگاهدارم.

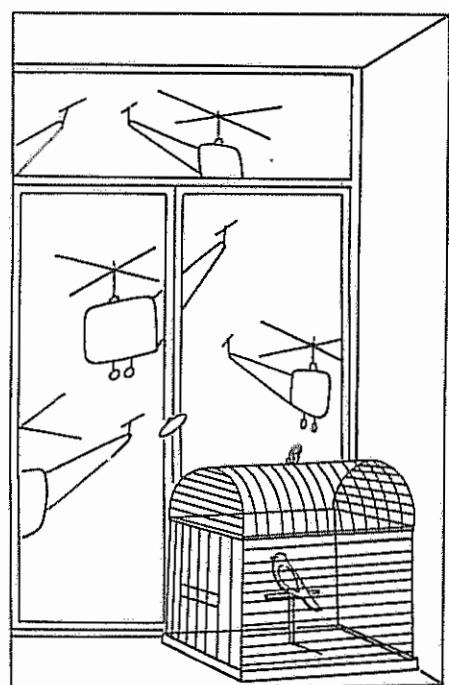
از صبح شنبه، خانواددهای سر بازان که نگران شده بودند به سر بازان مراجعه می کردند و از بچه ها پشان خبر می خواستند. به اشاه جناب سرهنگ، همگی آن ها را در جایی جمع کردم. وقتی جمعیان کامل شد سرهنگ آمد و در حالی که برافروخته بنظر می رسید آن ها را مورد عتاب و خطاب قرار داد و گفت بچه های شما برای تریبی مبالاتی اتاق های پادگان را ویران کرده و به کثافت کشیده اند. تا چند هفته دیگر قرار است حضرت اشرف تیمسار رئیس ستاد پادگان دیدن کند و اگر اتفاق ها را به این وضع و حال ببینند همگی ما را از بزرگ و کوچک به سیخ می کشند.

اینست که دستور داده ام بطور نا محدود سر بازان را در سر بازان نگاهدارم تا بنا می یا بگیرند و اتاق ها را تعمیر کنند.

در میان خانواددهای سر بازان تعدادی کارگرها ختمان وجود داشت. آن ها دا و طلب شدند که به بیاد دست بسالاز بزنند و اتاق ها را تعمیر کنند. دیگران هم تهیه مصالح ساختمانی را به عهده گرفتند و از جناب سرهنگ خواستند که گناه بچه ها را به بزرگی و آقائی خودش ببخشد. بدین ترتیب، مرحله اول طرح جناب سرهنگ با موفقیت به انجام رسید.

اتاق های پادگان مرمت و سفید کاری شدند و آنکه به گوشه شش هزار تومان اعتبار مرموبه دست بخورد. یک هفته بعد با زهم سرهنگ اشاره کرد که مرخصی سر بازان لغو شود. با خانواددهای سر بازان، مضطرب و هراسان آمدند که دیگر چه خبر است؟ این بار سرهنگ بنا قیافه خشمناک تری در مقابل آن ها ظاهر شد و با بر زمین کوبید که شما عوض بنائی به اتاق های پادگان کثافت زده اید. این چه سفید کاری است؟ این چه مرمتی است؟ تیمسار رئیس ستاد اگر اتفاق های پادگان را بدون صورت ببیند پوست مرا زنده زنده خواهد کند. من تحقیق کرده ام، ترمیم این کثافتکاری دو هزار

نهضت مقام و امت ملی ایران برداختند. در این کنفرانس که روز ۲۳ سپتامبر در شهر ایستبورن برپا شد، طی یک سخنرانی، دکتر عبیدالله قبا دین آماری از زندانیان و شکنجه شدگان در جمهوری اسلامی به فاصله سال های ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۵ مبنی بر گزارش سازمان عقوبتین المللی ارائه داد و سخنران دیگر آقای آل یاسین، درباره گسترش آزادی های فردی، واجتماعی در ایران طی سخنرانی زما مداری دکتر شاپور بختیار، سخن گفت و موازین قضای این آزادی ها را در دوران رژیم اسلام، بر شمرده در این



تومان خرج داد و این پول را من باید از جیب خودم بپردازم... هم این ها تقصیر تخم و ترکه لش و بی عا رشما است که نا سلامتی اسما ن را سر با زگذاشته اند. من می دانم و آن ها... به یکا یکشان می فهما نم که سر با ز یعنی چه!! خانواددهای سر بازان که این بار بیش از دفعه پیش نگران وضع بچه ها ایشان شده بودند شور کردند و تصمیم گرفتند دو هزار تومان را بین خودشان سرکن کنند و به جناب سرهنگ بدهند تا او از خر شیطان پائین بیاید و زگناه سر بازان و همچنین قصور و خرابکاری خودشان چشم ببوشد!!

وزیر کار جمهوری اسلامی گویا طرح نقلی خود را از روی نسخه ابتکاری جناب سرهنگ اقتباس کرده است. در ایران زمین با یرکم نیست. دولت زمین را اختیار مهاجرین و آوارگان جنگ می گذارد و از روی کمال بزرگواری به آن ها اجازه می دهد که در آن خانه بسازند. خانه را کی بسازد بهتر از خود مهاجرین؟ این خانه سازی به مصالح ساختمانی، گچ، آهک، آجر، کاشی، در و پنجره احتیاج هست که در این زمینه ها نیز از محمل "کمک های مردمی" سرما یه گذاری میشود و در نتیجه، مهاجرین و آوارگان هم صاحب خانه می شوند و هم صاحب اشتغال و آن ۷۸ میلیارد ریال هم در آینه مثل گذشته، به شیوه "مدیریت" های قبلی صرف خانه سازی و ایجاد اشتغال و هموار کردن چاله های خرج مدیریت فعلی خواهد شد!

جلسه سرانسل جانشین، آزادی حزب لیبرال پرسش های درباریه مطالب استظهار شده مطرح کرد که نمایندگان نهضت به آن ها پاسخ گفتند. عضو حزب لیبرال، آنگاه اظهار داشت به عقیده من دولت بریتانیا نباید از ایران نفت بخرد تا رژیم اسلامی نتواند با پول آن اسلحه و ابزار جنگی خریداری کند. وی افزود: بسیار عجیب است که حجم مبادلات بازرگانی خارجی انگلستان و ایران، هم اکنون به مراتب بیشتر از او خردوران رژیم گذشته است.

کنفرانس

شورای پناهندگان

کنفرانس شورای پناهندگان شهرکلین در روز جمعه ۳ اکتبر با شرکت سازمان های عضو شورا و مسئول مرکزی سازمان عفو بین المللی شهرین، و نماینده های کمیسیون ریای پناهندگان سازمان ملل متحد، و نماینده های مرکز و انشنا سسی پناهندگان و مسئولان خانه ها و مراکز زندگی گروهی پناهندگان شهرکلین و حومه و تلویزیون آلمان غربی در این شهر تشکیل شد. بیست تن از اعضا و طرفداران نهضت مقام و امت ملی و جد شهرکلین در این جلسه حضور یافتند. نماینده های نهضت مقام و امت ملی ایران در شهرکلین، که تنها عضو غیر آلمانی در شورای پناهندگان

است، در این جلسه علت های مهم پناهندگی ایرانیا ن به آلمان را برای حاضران در جلسه توضیح داد.

کنفرانس سالانه

حزب لیبرال انگلستان

نمایندگان نهضت مقام و امت ملی ایران ضمن شرکت در کنفرانس سالانه حزب لیبرال انگلستان و ملاقات با مسئولان این حزب، به تشریح هدف ها و برنامه های

نشانی:
QYAM IRAN
C/O C. B.
17, bd RASPAIL
75007 PARIS
FRANCE

ایران هرگز نخواهد مرد